

اول فوراً پس از تعیین رئیس سنی در مجلس سنی با اکثریت تام یک رئیس و دو نایب رئیس که هر سه موقتی هستند متوالیاً بانتخاب فردی معین میشوند هر گاه در دو نوبت اکثریت تام بدست نیاید در نوبت ناک آنکسی که نسبتاً اکثریت دارد منتخب است اهم از اینکه در نوبت اولی و ثانوی در مورد او رأی داده یا ندادند اگر همه آراء در مورد چند نفر مساوی شد یک نفر از آنها بحکم قرعه منتخب خواهد شد.

(ماده هشتم نیز بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۸ - هیئت رئیسه دائمی مرکب است از یک رئیس و دو نایب رئیس و چهار منشی و سه مباشر که یک نفر از آنها رئیس دفتر خواهد بود. انتخاب رئیس - نواب رئیس و منشیان و مباشرین موافق ماده دو خواهد بود.

نایب رئیس - پس باید تجدید انتخاب شود و آقایان باید دو نفر منشی دیگر انتخاب کنند آقای نظام السلطان فرمایشی داشته است.

نظام السلطان - چون اسم بنده را نوشته بودند میخواستم استدعا کنم که بنده را معاف بدانند مبعصر الملک - بنده هم میخواستم عرض کنم خوب است انتخاب دو نفر منشی دیگر را بگذارند برای بعد از تنفس چون در باب هیئت مباشرت هم کلاً آراء سنجیده نشده بعد از تنفس هر دو را یک مرتبه رای بدهند.

میرزا محمدعلیخان نماینده همدان - قبل از انتخاب یکصد نفر عرض کردم باز هم آقایان اظهار لطف فرموده اند استدعا می کنم مخصوصاً اینها لطف را نسبت به بنده نفرمائید و آراء خودشانرا مدنظر نمانند بجهت اینکه بنده هیچ سستی را در این هیئت رئیسه قبول نخواهم کرد.

آدید السلطنه - بنده هم همین استدعا می کنم میرزا محمد علی خان را دارم.

(اوراق آراء آخذوبه ترتیبی که ذیلامندرج است استخراج گردید)

ماده اوراق رأی ۶۷ - مهره تقیبه ۶۷
ماد السلطنه ۳۲ رأی - معتمد السلطنه ۲۹ رأی
نظام السلطنه ۱۲ رأی - ادیب السلطنه ۱۱ رأی - حاج عز الملک ۱۶ رأی - میرزا محمدعلیخان ۱۰ رأی - صدر الملک ۲ رأی - حاج میرزا حسین خان ۲ رأی - مدحت السلطنه ۶ رأی - ملک التجار ۶ رأی - حاج شیخ اسدالله یگرای - آقا شیخ محمد جواد یگرای - آصف الملک یگرای - زرقه سفید ۳ عدد - آقای همد السلطنه ۲۹ رأی دارند.

نایب رئیس - اکثریت نیست میماند برای بعد از تنفس یک مرتبه تنفس است.
(در این موقع تنفس شده و پس از یک ربع مجدداً جلسه تشکیل گردید)

نایب رئیس - چون دو نفر منشی ها دو مرتبه انتخاب شده و اکثریت تام حاصل نشد قرعه سوم انتخاب میکنیم اگر اکثریت تام حاصل نشد اکثریت نسبی کافی است.

(در اینوقت باز شروع باخت و استخراج آراء گردید و بقرار ذیل نتیجه حاصل شد) ماده اوراق رأی ۶۳ - مهره تقیبه ۶۳ عدد - ماد السلطنه ۳۰

رأی - معتمد السلطنه ۳۰ رأی - حاج عز الملک - ۲۴ رأی نظام السلطان ۱۴ رأی - مدحت السلطنه ۲ رأی - ملک التجار ۲ رأی - آقای شیخ محمد جواد یگرای - ادیب السلطنه ۳ رأی - صدر الملک ۱ رأی - آقا میرزا محمدعلیخان ۱ رأی - وحید الملک - ۳ عدد - حاج شیخ حسین پردی یگرای و زرقه سفید ۳ عدد.

نایب رئیس - آقای همد السلطنه با اکثریت ۳۰ رأی و آقای معتمد السلطنه ۳۰ رأی انتخاب شدند شروع میکنیم بانتخاب مباشرین برای انتخاب مباشرین اوراق رأی توزیع و بعد از استخراج آراء اینطور نتیجه حاصل شد (ماده اوراق رأی ۶۱ - مهره تقیبه ۶۱ عدد -

ارباب کیخسرو ۵۱ رأی - حاج میرزا اسدالله خان ۲۹ رأی - وقار السلطنه ۲۴ رأی - شیخ الملک ۲۴ رأی - آصف الملک ۳ رأی - ملک التجار ۲۹ رأی - حاج باباخان ۲۴ رأی - عزرا السلطنه ۲ رأی - آقا میرزا محمد علیخان یگرای - سردار سعید یگرای - حاج شیخ اسدالله ۲ رأی - آقا شیخ محمد حسین خوانساری یگرای - نظام السلطان یگرای - دکتر لقمان یگرای سلیمان میرزا یگرای - ادیب السلطنه یگرای - میرزا محمد نجات یگرای - وحید الملک یگرای - مدحت السلطنه یگرای - زرقه سفید دو عدد.

نایب رئیس - آقای ارباب کیخسرو با اکثریت ۵۱ رأی انتخاب شدند آقای حاج میرزا اسدالله خان و آقای خان باباخان و وقار السلطنه ۲۴ رأی بنا بر این باید برای تعیین دو نفر مباشر تجدید انتخاب شود (ثانیاً برای انتخاب دو نفر مباشر اخذ رأی شده بقرار ذیل نتیجه بعمل آمد)

ماده اوراق رأی ۶۰ - مهره تقیبه ۶۰ عدد - ملک التجار ۳۳ رأی - وقار السلطنه ۲۳ رأی - خان بابا ۲۹ رأی - حاج میرزا اسدالله خان ۲۴ رأی - شریعتدار یگرای - مدحت السلطنه ۲ - دکتر لقمان یگرای - شیخ الملک ۲ رأی - حاج شیخ اسدالله ۲ رأی - آقا شیخ محمد حسن کروی دو رأی - حاج عز الملک یگرای.

نایب رئیس - آقای ملک التجار با اکثریت ۳۳ رأی انتخاب شدند و آقای خان باباخان چون ۲۹ رأی دارند و آقای شیخ میرزا اسدالله خان ۲۴ رأی بنا بر این باید از برای یک نفر مباشر دیگر مجدداً شروع بانتخاب شود (ثانیاً برای انتخاب یک نفر مباشر اخذ رأی شده و بقرار ذیل نتیجه حاصل شد)

ماده اوراق رأی ۵۶ - مهره تقیبه ۵۶ عدد - حاج میرزا اسدالله خان ۲۴ رأی - وقار السلطنه ۲ رأی - حاج شیخ الملک یگرای - حاج شیخ اسدالله ۲ رأی - سردار اسلام یگرای - عزرا السلطنه یگرای خان بابا خان ۲۴ رأی

نایب رئیس - چون آقای خان بابا خان و آقای حاج میرزا اسدالله خان هر یک ۲۴ رأی دارند بنا بر این باید مطابق نظامنامه یک نفر از آقایان بقرعه معین شوند

میرزا قاسمخان - آقای خان بابا خان ۲۳ رأی و آقای حاج میرزا اسدالله خان ۲۴ رأی داشتند نایب رئیس - خیر سه نفر منشی استخراج

کرده اند و هر دو ۲۴ رأی دارند (در این موقع استراحت نموده و آقای خان باباخان بحکم قرعه معین شدند) نایب رئیس - آقای خان بابا خان از برای اداره مباشرت معین شدند شروع می کنیم بتعیین شعبات (در اینوقت بحکم قرعه شروع بتعیین شعب گردید ۱. بترتیب ذیل معین شدند)

(شعبه اول) منتصر السلطان - آقا شیخ یوسف - فرج الله خان سردار معظم - نظام السلطان - آقا میرزا محمدعلیخان نماینده همدان - آقا شیخ ابراهیم زنجانی - سردار سعید - وحید الملک - آصف الملک - حاج شیخ اسدالله آقامیرزا هاشم اششانی - مشارالدوله - مدحت السلطنه (شعبه دوم)

حاج شیخ اسمعیل - سردار معظم نماینده خراسان - صدر الاسلام - معتمد السلطنه - آقا سعید امان الله - مبصر الملک - ادیب السلطنه - سردار معتمد مدائن الدوله طباطبائی - آقای سیدفاضل - حاج میرزا علیرضا - حاج سیدرضا (شعبه سوم)

آقامیرزا طاهر متوالی - همد السلطنه - شیخ الملک - ملک الشیراز - آقا رضا دهخوارقانی - حاج شیخ جواد الله - دکتر لقمان - میرزا سلیمان خان - حاج شیخ فضلعلی آقا - شریعتدار - حاج امام جمعه ناصر الاسلام - سلیمان میرزا (شعبه چهارم)

مرآت السلطان - ملک التجار بوشهری - خان باباخان - حاج مهدی الدوله - آقا شیخ محمد انجلی - مسات - مؤتمن الملک - میرزا طاهر تنکابنی - دکتر حسینقلیخان - صدر الملک - قوام الدوله - حاج میرزا اسدالله خان - امیر مؤید (شعبه پنجم)

آقا سید محمدین کراری - مدرس - حاج شیخ محمد حسین پردی - عمل الملک - حاج عز الملک - نجفقلی میرزا - محمدعاشق میرزا - صدر الملک - حاج سید اسدالله - سلطان العلماء - آقا شیخ محمد حسن کروی - آقامیرزا محمد نجات - حاج معین التجار (شعبه ششم)

مؤید الاسلام - آقا شیخ یحیی - عزرا السلطنه - آقا سید اسدالله چهارسوقی - حاج میرزا حسین کرمانشاهی آقا شیخ محمد حسین خوانساری - وقار السلطنه حاج هم الملک - آقا شیخ محمد حسین استرآبادی - ارباب کیخسرو - حاج میرزا حسینخان نائینی - آقا شیخ محمد جواد میرزا قاسمخان

نایب رئیس - یک نفر باقی است افزوده میشود بشعبه اول (شریف الملک) اگر آقایان موافق باشند جلسه را ختم میکنیم جلسه آتی - روز یکشنبه سه ساعت قبل از غروب دستور جلسه انتخاب کمیسیونها و قانون سرباز گیری چون انتخاب کمیسیونها در خارج خواهد شد قانون سرباز گیری جز دستور خواهد بود (مجلس تقریباً دو ساعت از شب گذشته ختم شد) جلسه ۷۱

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه بیست و نهم شهر ذی قعدة ۱۳۲۷ مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب در جهت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید.

قائین با اجازه - آقایان شیخ الملک مبصر الملک
قائین بدون اجازه آقایان نجفقلی میرزا محمد هاشم میرزا، آقا شیخ محمد جواد
مریض - آقایان ادیب السلطنه - آقا شیخ رضای دهخوارقانی

رئیس - قبل از اینکه صورت مجلس قرائت شود بعضی هراعضی داختم که باید خدمت آقایان عرض کنم ازده ماه قبل که آقایان اظهار لطف نموده و بنده را بسمت ریاست منتخب فرمودند بنده هم خیلی حاسی و جاهد بودم که از این حسن ظن و اعتماد استحقاقی پیدا بکنم و همیشه اهتمام داشتم که شرایط اموری که به بنده معول فرموده اند عمل کنم اگر هم در بعضی مواقع کوتاهی شده است میتوانم عرض کنم که از راه تقصیر و عذر نموده است آقایان هم همیشه با بنده کمال مساعدت و همراهی را در پیشرفت امور فرموده و کمال تشکر را دارم از چندین قبل یعنی از چهار ماه قبل بواسطه علت مزاج و نفاختی که داشتم خیال کرده بودم از آقایان استدعا میکنم که بنده را معاف کنند ولی بواسطه استیضاح و تولید بجران موقع را مناسب ندانستم استدعا می کنم خودم را بمرض آقایان برسانم این بود که تا عمل کردم تا کابینه تشکیل شود بعد از تشکیل کابینه هم چون دیدم مدت زیادی بدوره انتخابیه هیئت رئیسه نمانده است صلاح در این دیدم که باز هم اظهاری نکنم تا اینکه دوره انتخابیه منقضی شده و بالعاج مستعفی شده باشم که یک هفته قبل هم خدمت آقایان اظهار امتنان خودم را کرده و تشکرات خود را اظهار داشتم و عرض کردم که در این انتخابات جدید بنده را از این شغل معاف بدانند ولی بنا بر هم اظهار حسن ظن نموده و دوباره بنده را باین سمت معین کرده اند ولی همانطور که عرض کردم علت مزاج باعث این شده است که بنده نمیتوانم در این کار مداومت کنم امروز هم معنی اجتناب رأی آقایان شرفیاب شدم سه چهار جلسه یا پنج جلسه دیگر هم حاضر میشوم و بوظایفی که بنده رجوع شده است عمل میکنم ولی استدعا میکنم آقایان هم نظریاتی فرمایند تا تکلیف معین شود

(صورت مجلس روز پنجشنبه ۲۶ رأی آقای حاج میرزا حسین خان قرائت نمودند) رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست یا نیست؟ (اظهاری نشد) ایرادی نیست صورت مجلس تصویب شد قبل از اینکه داخل در دستور بشویم یک رقمه از طرف آقای رئیس الوزراء رسیده است قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد) مجلس محترم شورای ملی - نظر بر آنست که احکامات مرحوم علین مکان آیت الله خراسانی اصلی الله مقامه که در استنزار اساس مشروطیت منحل شدند پس از فوت آن مرحوم هیئت دولت پاسزحمات ایشان را دونظر گرفته در تاریخ ۱۹ جمادی الاخر ۱۳۳۰ بوجوب تصویب ناعه مقرر داشتند این که از املاک خالصه دولتی ملکی که عایدی آن در سال بیلبغ سه هزار تومان بالغ باشد بملکیت آقایان آیت الله زادگان تفویض و تملیک شود که سبب سهولت معاش برای آنان فراهم بشود در آن ایام برای اجرای مدلول تصویب نامه هیئت دولت در وزارت

مالیه چند مجلس مذاکره بعمل آمده بالاخره ششادانک قریه فخر آباد بانضمام قلعه و باغ آن و پنج سهم از سهم علی آباد که از خالصات نیشابور است انتخاب گردیده بوجوب فرمان همایونی مورخه جمادی الاخر ۱۳۳۰ به آقایان آیت الله زادگان واگذار گردید و چون در آن تاریخ این دو قرقه خالصه جزء سایر خالصات نیشابور بوجوب اجاره رسمی در اجاره حاج محمد تقی شاهرودی و شرکاء ایشان استقرار داشت و نسخ اجاره هم ممکن نبود پس از صدور فرمان ملکیت اینطور مقرر شد که تا انقضای مدت این اجاره مال الاجاره رسمی این دو خالصه را مستاجرین هر ساله بکماشته آیت الله زادگان به بردارند و در واقع مستاجرین از طرف آنها در این دو خالصه دخالتی داشته باشند تا زمانی که اجاره منقضی شود و نیز در زمانی که هیئت دولت این تصمیم را نموده و این فرمان تملیک صادر شده در نظر داشته اند که پس از افتتاح مجلس شورای ملی تصمیم مزبور به تصویب مجلس هم مقرون گردد و باین داشتند مجلس شورای ملی نیز پاس حقوق آن مرحوم را را در نظر داشته تصمیم هیئت دولت را امضاء خواهند فرمود اکنون که اجاره خالصات نیشابور در شرف انقضای است هیئت دولت لزوماً مدلول فرمان همایونی را در ضمن ماده واحده به مجلس شورای ملی پیشنهاد میکند و تصویب آنرا تقاضا و انتظار دارد

ماده واحده - مجلس شورای ملی مدلول فرمان همایونی مورخه جمادی الاخر ۱۳۳۰ را راجع به تملیک ششادانک قریه فخر آباد بانضمام قلعه و باغ آن و پنج سهم از دوازده سهم علی آباد که از خالصات نیشابور است در باره آقایان آیت الله زادگان خراسانی تصویب مینمایند رئیس - این دفته یکسویون بوده فرستاده خواهد شد دستور امروز قانون سرباز گیری و بعد انتخاب کمیسیونها است مجلس را زود تر ختم خواهیم کرد که آقایان وقت داشته باشند اعضاء کمیسیونها را همین امروز معین نمایند عفا کرات در کلیات قانون سرباز گیری است در کلیات این قانون مغالقی هست یا نیست (مخالفتی نشد) رأی میگیریم داخل در شور مواد بشورم یا نه آقایانیکه تصویب میکنند داخل مواد بشورم بقیام نمایند

(بالا توافق قیام نمودند) رئیس - تصویب شد - ماده اول قرائت می شود

ماده (۱) - اساس قشون گیری دولت ایران بطرز پنجه (خدمت اجباری خصوصی است) رئیس - در این ماده مغالقی هست

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بنده در این ماده یک توضیحی میخواهم اولاً لفظ (اساس) خوب نیست انشاء الله اساس طور دیگر خواهد شد چون قشون اجباری بهتر است علاوه بر این (خدمت اجباری خصوصی) نوشته اند خدمت اجباری نیست آنچه معمول بوده این است که سرباز دافن اجباری بوده یعنی فلان محل مجبور است سرباز بدهد و الا خود سرباز اجباری نبوده و داوطلبی بوده یعنی هر کسی داوطلب میشد سرباز میشد خدمت اجباری یعنی کسی مجبور باشد سرباز باشد در حالیکه تا بجال اینطور نبوده است اگر بعد از این خواهد شد باید حدودش

را معین کنند که بجهت ترتیب اجباری خواهد بود سر دار سعید مخبر آیدیسویون نظام - اینکه میفرمایند سرباز دافن اجباری بوده ولی خدمت اجباری نبوده و داوطلبی بوده این ترتیب را که بنده اطلاع ندارم بجهت اینکه آنچه از قدیم در ایران معمول بوده این است که صاحب منصب فوج یا آن عده که برای سرباز گیری معین میشوند میروند به عهده و آنها را که باید سرباز بدهند سرباز های خود را حاضر میکنند آنوقت با ملاحظاتی که باید از طرف وزارت جنگ بعمل بیاید موافق نظامنامه سرباز گیری باشد هر کدام از اینها را آن مأمور وزارت جنگ برای سربازی انتخاب کرد مجبور است برود و سرباز شود اینکه در بین الهالین نوشته شده است (خدمت اجباری خصوصی است) از برای این است که همه آقایان مسیوقند و اقل نقاط دنیا خدمت نظام اجباری همومی است یعنی هر کس پس معین رسد باید سرباز شود و ما امیدواری داریم که انشاء الله اینجام این طور بشود و خواهد شد ولی امروز خدمت اجباری خصوصی یعنی بطور نتیجه است که سرباز خودش را در موقعی که فوج را احضار میکنند حاضر کنند باین جهت اجباری خصوصی نوشته شده است

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - باز من نفهمیدم تمام مالیاتها اجباری است این هم یک قسم مالیات است که مردم باید بدهند خدمت اجباری این را بیگویند سرباز گیری اجباری است یعنی سرباز را مجبورند بدهند اما خدمت اجباری نیست داوطلبی است هر کس داوطلب شد و آن شرایط را داشت (یعنی سلامتی و غیره آنرا قبول میکنند چون من ندانم چطور معین می کنند آیا جریه معین میکنند یا باختیار در این صورت نمیدانم چطور اجباری است؟ اینرا باید توضیح بدهند تا بنده بدانم

سر دار معظم - در این ماده آقای زنجانی یک قدری دقت فرمودند بنده اولاً تکلیف سرباز را در این ماده معین نمی کنند که سرباز دو خدمت مجبور است یا مختار است بلکه تکلیف آن تعمیلی را که باید بشود و بنام تبدیل سرباز گیری میشود معین نماید چون تبدیل بانام مالیات است یا افرادی است که قشون گیری باشد در اینجا لازم است انواع تبدیل که ممکن است بنام قشون گیری وارد شود گفته شود بالاخره سه نوع ممکن است این تبدیل باشد یکی سرباز گیری همومی اجباری یعنی تمام افراد ملکیت که دارای شرایط و سن معین شدند مجبورند داخل در خدمت نظام بشوند این تبدیل اجباری همومی است یکی داوطلبی است که از موضوع بحث ما خارج است و یکی دیگر این است که (این تبدیل و اجبار در دخول خدمت نظامی) در همه جای کشور نباشد یعنی در یک ملکیت مثل ملکیت ماکه مقتضی نمیدانند تمام جوانها خود شانرا که بیک سن معین میکنند و دارای شرایط معین شدند داخل نظام بکنند آنوقت بر بعضی جاها و حوزها بیکه مقتضی میدانند این تبدیل را می کنند و در مقابل بعضی مراعاتهای دیگر نسبت بانها میکنند پس همه محلها مثل هم نیستند و بعضی دین بعضی مجبور هستند سرباز بدهند اسم اینرا ما گذاشته ایم قشون گیری طرز پنجه یعنی قشون گیری که اجباری است ولی در همان عالم اجباریت باز همومیت ندارد

روی همین ماده قرار خواهد داد در صورتیکه ما در ماده سابق تصریح کردیم که دستجات سواره و پیاده و توپخانه باید مطابق دستور سابق یعنی آن نتیجه که سابق معمول بوده است باشد و بطور معمول سابق سربازهای خودشان را بدهند بنده مدد صبح یعنی مدد بلا تلفت قشون ایران را نمی توانم عرض کنم زیرا اطلاع کاملی ندارم و همینقدر میدانم آن اندازه که معمول بوده است از صد هزار نفر بیشتر بوده است حالا اگر مادر این ماده تصریح بهفتاد و پنج هزار نکنیم در صورتیکه مطابق ماده قبل بایستی هر محل سوار و سرباز و توپچی را بدهد بین این ماده و ماده قبل ضمیمت حاصل خواهد شد و اگر بخواهیم ضمیمت حاصل نشود باید بوزارت جنگ اجازه بدهیم که از میان آن عده که باید از برای خدمت حاضر کند یک عده را بپول خودش خارج کند و یک عده را داخل کند بنده مثل این کار را بآن کمیسیون گذر زمان قنرت و در زمان انقصال مجلس در وزارت جنگ تشکیل شده بود امیزم در آن کمیسیون یک جدولی و یک اسامی از افواج سواره و پیاده و توپخانه ایران ترتیب داده بودند و یک قسمت از افواج ایران را بدون جهت انداخته بودند درست است که در آنجا پنجاه و چند هزار قشون از برای ایران تصور کردیم. بودند ولی فرق نمی کند هفتاد و پنج هزار هم که گفتیم باز یک قسمتی از قشون حذف میشود و از قلم خواهد افتاد منتها نسبت بآن عده که آنها نوشته بودند چهار فوج دیگر اضافه خواهد شد مثلا در آن صورت فرضاً فوج گردان کرمانشاهان فوج ظفر سکرستان نبود فوج کجا نبود سوار کجا نبود حالا بجه نظر کمیسیون وزارت جنگ این عده را حذف کرده بود معلوم نیست پس بنظر بنده بایستی که یا عده صبح و یا اقل باغ بر صد هزار نوشته شود بجه اینکه وزارت جنگ مکلف است از همان محل ها این سوار و سرباز را که از قدیم معمول بوده است بگیرد بنده نمیگویم که این صد هزار نفر در تحت السلاح باشند و دولت ایران همیشه بآنها جیره و مواجب سر خدمت بدهد همین قدر میگویم اساس نتیجه باید همان قسمی باشد که تا بحال معمول بوده است و باید کسر نشود بجه اینکه ما نمی دانیم از کدام محل کسر میکنند و این حق را نمی توانیم بجه وزارت تعین بدهیم که خودش یک قسمتی از قشون ایران را کسر کند منتها آن قسمتی که باید سر خدمت باشند آنرا بر حسب لزوم معین میکنند در هر سال در هر نقطه چقدر قشون لازم است آنوقت جیره و مواجب آنها را هم بوجه پیش بینی خواهد کرد پس این ماده با تصریح بهفتاد و پنج نفر بقیه بنده صحیح نیست .

سردار سعید مخبر - ماخذ اطلاع آقای حاج عزالمالک سالنامه مموله عهد ناصر الدین شاه است که هه ساله چاپ میشد و در آنجا عده سوار و سرباز و توپچی نوشته میشد و در آنجا یکصد و پنجاه هزار باسم قشون دولت ایران اسم برده میشد و بنده نوشته میشد قشون ذخیره پنجاه هزار نفر و معلوم نبود که ذخیره کجاست و ماخذ پنجاه هزار نفر از کجاست ولی با حسابی که در وزارت جنگ شده انطور که آقای سردار معظم توضیح فرمودند سه قسم سرباز گیری ممکن بود یکی خدمت اجباری و دیگری

بنیچه و سومی داوطلب که این قسم اخیرچه در وزارت جنگ و چه در کمیسیون مجلس بکلی رد شد اگر اذقت بهمان اسامی که در سالنامهها نوشته میشد نظر فرمایند آنجا خواهند دید که بقدر همین عده ها یعنی بیست و پنج هزار نفر یا قدری کمتر یا بیشتر عده قشون داوطلب بوده است مثلا یک فوجی که عده اش هزار نفر بوده است وقتی که صد نفر یا دویست نفر از آن عده هم بیاید و بنیچه اش کافی نبود نمیتوانستید دویست نفر را بدهند آنوقت یکصد دویست نفری داوطلب میگردند و منضم به آن فوج میگردند که یک فوج تمام شود یا یک دسته سوار یا یکصدسته توپچی تمام حاضر شود پس از آنکه وزارت جنگ تصدیق کرد باید قشون داوطلب منسوخ شود و بپرد دولت نمیخورد و کمیسیون تصدیق کرد آنها بوردی خود از میان رفته و میروند چنانچه الان جز دو دسته توپچی که یکصدته آنها در خراسان در سر خدمت هستند دیگر قشون داوطلب باقی نمانده است پس قشون بنیچه یا آن صورتی که معین شده است بیشتر از پنجاه هزار نفر باقی نمانند و لازم هم نیست ما یک عده صد هزار نفری بنویسیم در صورتیکه آن صد هزار نفر را نداریم بنابراین همان عده همینرا خواهیم داشت اما اینکه بفرمایند لازم نیست تمام آنها را در سر خدمت داشته باشیم البته دقت فرموده اند که در اینجا هم نوشته شده است که این مسئله بسته به بودجه است که از مجلس شورای ملی میگردد و هر اندازه که بودجه تصویب کرد همان اندازه سر خدمت حاضر خواهند شد و هر چه تصویب نشد در محل خواهد ماند تا در موقتی که وجود آنها لازم باشد حاضر خواهند شد .

حاج شیخ ابراهیم زنجانی - تعیین هفتاد و پنج هزار نفر بجه چه صحیح نیست بجه اینکه اگر سابقاً بیشتر از این بوده است یعنی مثلا صد هزار نفر بوده است و حالا بنویسیم هفتاد و پنج هزار نفر معلوم نیست بقیه آنرا از کجا حذف خواهیم کرد در اینصورت باید یک ماده باشد که معین کند از تمام محلهای یک ربع کم خواهد شد و الا بشود گفت از صد هزار نفر بیست و پنج هزار نفر کم میکنیم این صحیح نیست پس همانکه سابقاً بود باید دید چقدر است و همان را بساخته قرار داد چنانچه اگر صد نفر زیاد شود نخواهیم دانست به کجا تعبیل کنیم همچنین اگر صد نفر کم شود نخواهیم دانست از کجا حذف خواهد شد لهذا باید کمیسیون بهمان حساب سابق عده رامعین کند

معاون وزارت جنگ - با توضیحاتیکه قبلا آقای مخبر دادند گمان میکنم جواب این سوالات داده شده باشد چنانچه گفتند در قدیم محل قشون وزارت جنگ صد هزار نفر بوده ولی از این صد هزار نفر داوطلبها که بتدریج موقوف شد بعضی افواج هم بواسطه سرکشی های محل مثل افواج فارس و خراسان لغو شدند یا بعضی سوارها که تقلیل شدند و تبدیل بیک مقدار کمی سوار شده اند پس از موضوع شدن آنها در اوایل مشروطیت هشتاد و سه هزار ماخذ قشون دولت ایران بوده است از این هشتاد و سه هزار نفر هم عده داوطلب بوده اند و یکی سه هزار و شصده نفر توپچی داوطلب بوده و همین طور سوار و قسمتهای دیگر افواج داوطلبی بوده که چون اساس

نظر وزارت جنگ و نظر کمیسیون لغو کرن داوطلب جنگ و چه در کمیسیون مجلس بکلی رد شد اگر اذقت بهمان اسامی که در سالنامهها نوشته میشد نظر فرمایند آنجا خواهند دید که بقدر همین عده ها یعنی بیست و پنج هزار نفر یا قدری کمتر یا بیشتر عده قشون داوطلب بوده است مثلا یک فوجی که عده اش هزار نفر بوده است وقتی که صد نفر یا دویست نفر از آن عده هم بیاید و بنیچه اش کافی نبود نمیتوانستید دویست نفر را بدهند آنوقت یکصد دویست نفری داوطلب میگردند و منضم به آن فوج میگردند که یک فوج تمام شود یا یک دسته سوار یا یکصدسته توپچی تمام حاضر شود پس از آنکه وزارت جنگ تصدیق کرد باید قشون داوطلب منسوخ شود و بپرد دولت نمیخورد و کمیسیون تصدیق کرد آنها بوردی خود از میان رفته و میروند چنانچه الان جز دو دسته توپچی که یکصدته آنها در خراسان در سر خدمت هستند دیگر قشون داوطلب باقی نمانده است پس قشون بنیچه یا آن صورتی که معین شده است بیشتر از پنجاه هزار نفر باقی نمانند و لازم هم نیست ما یک عده صد هزار نفری بنویسیم در صورتیکه آن صد هزار نفر را نداریم بنابراین همان عده همینرا خواهیم داشت اما اینکه بفرمایند لازم نیست تمام آنها را در سر خدمت داشته باشیم البته دقت فرموده اند که در اینجا هم نوشته شده است که این مسئله بسته به بودجه است که از مجلس شورای ملی میگردد و هر اندازه که بودجه تصویب کرد همان اندازه سر خدمت حاضر خواهند شد و هر چه تصویب نشد در محل خواهد ماند تا در موقتی که وجود آنها لازم باشد حاضر خواهند شد .

حاج شیخ ابراهیم زنجانی - تعیین هفتاد و پنج هزار نفر بجه چه صحیح نیست بجه اینکه اگر سابقاً بیشتر از این بوده است یعنی مثلا صد هزار نفر بوده است و حالا بنویسیم هفتاد و پنج هزار نفر معلوم نیست بقیه آنرا از کجا حذف خواهیم کرد در اینصورت باید یک ماده باشد که معین کند از تمام محلهای یک ربع کم خواهد شد و الا بشود گفت از صد هزار نفر بیست و پنج هزار نفر کم میکنیم این صحیح نیست پس همانکه سابقاً بود باید دید چقدر است و همان را بساخته قرار داد چنانچه اگر صد نفر زیاد شود نخواهیم دانست به کجا تعبیل کنیم همچنین اگر صد نفر کم شود نخواهیم دانست از کجا حذف خواهد شد لهذا باید کمیسیون بهمان حساب سابق عده رامعین کند

معاون وزارت جنگ - با توضیحاتیکه قبلا آقای مخبر دادند گمان میکنم جواب این سوالات داده شده باشد چنانچه گفتند در قدیم محل قشون وزارت جنگ صد هزار نفر بوده ولی از این صد هزار نفر داوطلبها که بتدریج موقوف شد بعضی افواج هم بواسطه سرکشی های محل مثل افواج فارس و خراسان لغو شدند یا بعضی سوارها که تقلیل شدند و تبدیل بیک مقدار کمی سوار شده اند پس از موضوع شدن آنها در اوایل مشروطیت هشتاد و سه هزار ماخذ قشون دولت ایران بوده است از این هشتاد و سه هزار نفر هم عده داوطلب بوده اند و یکی سه هزار و شصده نفر توپچی داوطلب بوده و همین طور سوار و قسمتهای دیگر افواج داوطلبی بوده که چون اساس

سردار معظم - بنده در اینصورت اشکال کوچکی دارم و آن سن (۱۸) ساله است چنانچه در این موضوع مکرر عرض کرده ام سن ۱۸ ساله را کوچک میدانم اگر در ملک خودمان تاریخ و شهادت نامه تولد میداشتیم که بطور قطع میتوانستیم (۱۸) ساله معین کنیم بنده مخالفت نمیکردم و چنانچه در پیشنهاد خودم پیشنهاد کردم نظر بنده این است که اگر سن را یکصد نفری بالاتر بگیریم و ۲۰ ساله قرار بدهیم ممکن است در عده ۱۸ ساله را بپذیریم زیرا یک جوانی که میگردد من ۲۰ سال دارم بطور تحقیق نمیشود معین کرد که ۱۸ سال دارد یا ۲۰ سال ولی همیشه یک دو سالی بالاتر یا پایینتر میتوان معین کرد ولی اگر ماخذ ۱۸ سال باشد میترسم تنزل ۱۶ و ۱۵ سال شود و این اندازه سن کم است و تصدیق خواهند فرمود که جوان ۱۶ و ۱۵ ساله بپرد سرباز نمیخورد حالا اگر موافقت فرمایند که سن ۲۰ معین شود که فرضاً در عده هم همان ۱۸ ساله داخل شود و کمتر از ۱۸ ساله داخل نشود بقیه بنده بهتر است .

مخبر - همانطوریکه آقای سردار معظم بفرمایند در مملکت ما مخصوصاً در ایالات ردهات تعیین سن اشخاص خیلی مشکل است ولی از کجا معلوم شد که ۱۸ ساله به ۱۵ و ۱۶ تنزل میکند و به ۲۰ و ۲۲ ترقی نمیکند بنده گمان میکنم چون ۱۸ یک سن معینی است و تمام اینها آنرا قبول کرده اند (با اینکه در اروپا برتر چند بلوغ میرسند تا آسیایها و مالک حاره با این وصف آنها (۱۸) ساله را قبول کرده اند) در مملکت ما بطریق اولی هیچجه یک سنی است که می تواند همه کاری بکند یعنی بپرد خدمت نظامی بخورد اگر ماخذ ۲۰ باشد باید به ۲۳ و ۲۴ تجاوز کند آنوقت یکصد نفر سربازی البته فامیل دارد خانواده دارد و نمی تواند کامیابینی از عهده خدمت نظامی بر آید و در تمام جاهها دقت میکند که سرباز از کسانی باشد که مجرد باشند و بابک خیال صالی بتوانند خدمت نظامی را انجام بدهند بنده مخالفت ندارم که ۲۰ سال باشد ولی تصور می کنم چون مطابق قرارداد تمام دنیا است ۱۸ سال را تغییر ندهیم .

مدحت السلطنه - بنده در جزه اول با آقای سردار معظم موافقم که سن ۱۸ سال کافی است و باید ۲۰ سال باشد و در جزه ثانی که میگویند ۲۸ بنده عقیده ام اینست که تا سی سال باشد چون از ۲۰ تا سی یک معنی است که میتواند بقوی از عهده خدمات نظامی بر آید .

معاون وزارت جنگ - تکیه قوانین ایران باید بشرح باشد زیرا شرح حد بلوغ برای تکالیف مذهبی که یکی از آنها جهاد است معین کرده است و این حدی که وزارت جنگ گرفته است بالا دست آن حدی است که در شرح معین شده و دو سال هم زیادتر گرفته است و تصور نمی کنم ماخذ کمی باشد چون اساس قشون گیری مملکت اسلام باید تابع اصول فقه باشد تکیه بعضی قسمتهای این ماده بآن مطالب و نکات مسلمانی است مسالک دیگر این نکات را از اسلام اقتباس کرده اند و ما خودمان بآنچه داریم لگد میزنیم .

رئیس - چون آقایان باید کمیسیونها را معین کنند اگر صلاح میدانند مذاکرات را در همین جا ختم کنیم یک پیشنهادی از طرف آقای سردار معظم

رسیده است قرائت میشود و بعد جلسه را ختم می کنیم .

بعضون ذیل قرائت شد (بعضون ذیل قرائت شد) پیشنهاد میکنم در ماده پنج فقره من از ۲۰ الی سی نوشته شود .

رئیس - آقای مخبر قبول دارید ؟

مخبر - خیر .

رئیس - پس باید قابل توجه بودنش رأی بگیریم .

سردار معظم - اجازه میفرمایید توضیح بدهم ؟

رئیس - بفرمایید

سردار معظم - دلائلی که ذکر شد هیچ کدام بنده را قانع نکرد حتی اینکه آقای معاون که متوسل بقوانین شروع شدند برای اینکه حدا ۱۸ ساله باشد و بیست ساله نباشد اولاً در تمام جاهای این حد بطور واحد نیست که حتماً هر کس پس ۱۸ رسید داخل خدمت شود تا بیست و یکسال هم هست بر فرض هم که در سایر جاهای ۱۸ سال را برای خدمت نظامی قبول کنند در آنجا مقتضایاتی هست که در اینجا آن مقتضات مفقود است اولاً در باره جاه خدمت نظامی اجباری و سومی است و میخواهند دانه عده نفرات را که داخل نظام میشوند وسیع کنند ولی در اینجا خدمت نظامی ما اجباری خصوصی است حتی ماهه ساله یک عده جوانهای خودمان را معاف میکنیم پس ما این احتیاج را نداریم و ثانیاً چنانچه عرض کردم و میفرمایند در مملکت ما بنده بطور تحقیق سن را معین کردیم اگر بگویند ۲۱ ساله باشد بهتر قبول خواهیم کرد بجه اینکه تازه بعد رشد رسیده و قوایش زیادتر و بهتر میتواند از عهده خدمت بر آید ولی میترسم که برعکس اگر کمتر بگویند بد بشود یعنی وقتی که در قانون ۱۸ سال را معین کردیم آنوقت معلوم نیست بجه ترتیب ممکن است ما بین ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ ساله فرق گذاشت پس بهتر این است که در قانون یکصد نفری سن را زیادتر معین کنیم که در عدل همان ۱۸ ساله هم داخل خدمت نظامی شود پس از این نقطه نظر همان طوریکه ما بین ۱۸ و ۲۰ ده سال فاصله است از بیست تا سی قرار بدهیم بهتر است و اینکه آقای مخبر فرمودند ۱۸ یک عدد معینی است بنده عرض میکنم شاید عدد بیست از حیث اعداد منظم تر و مرتبتر باشد پس از این نقطه نظر هم که باشد خوب است همانطوریکه در پیشنهاد های سابق موافقت کردند در این پیشنهاد هم موافقت کنند بجه اینکه تصور میکنم این پیشنهاد با مطالعه اطراف کار نوشته شده است .

رئیس - رأی میکنیم در قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

رئیس - رأی میکنیم در قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

ناصر الاسلام - بنده هم یک پیشنهادی در ماده دوم کرده بودم

رئیس - قابل توجه شد .

ناصر الاسلام - بنده هم یک پیشنهادی در ماده دوم کرده بودم

رئیس - میفرستم بکمیسیون جلسه آینه روز ۳ شنبه سه ساعت بطور مانده دستور آن بقیه شور در قانون سرباز گیری خواهد بود آقایان که تشریف میبرند اولاً باید تشریف ببرند بشباعت هیئت رئیسه

شباعت را معین فرمایند بعد بیایند کمیسیون هارا معین کنند .

سردار معظم - خوب است ناظر کمیسیونها را هم تعیین فرمایند .

رئیس - معین میکنم آقای آقامیرزا هاشم به موجب تفری که کرده اند باید بعضرت معصومه قم سلام الله علیها مشرف شوند و اجازه مرخصی یازده روز خواسته اند کمیسیونهم تصویب کرده است باید رأی بگیریم آقایانیکه مرخصی ۱۵ روزه ایشان را تصویب میکنند قیام نمایند .

(عده کثیری قیام کردند)

رئیس - تصویب شد - - - - - حالا نظار برای استخراج آراء اعضاء کمیسیونها معین میشوند (آقایان نظام السلطان - دکتر حسینی خان - حاج عزالمالک بکم قرعه معین شدند)

حاج شیخ یوسف - بنده در سه جلسه قبل از مقام ریاست مجلس شورای ملی استعفا می کردم که آقای رئیس الوزراه را بجلس شورای ملی دعوت فرمایند که بنده دوسه سؤال راجع باوضاع بآند از آقای رئیس الوزراه بنمایم نمی دانم دعوت شده اند یا خیر .

رئیس - هر وقت سؤالی داده شود فوراً نوشته میشود کوتاهی نشده است .

حاج شیخ یوسف - پس بنده استعفا میکنم که تا کید بفرمایند و در تشریف بیاورند و این چند سؤالی بشود

رئیس - بسیار خوب تا کید میشود (مجلس مقارن غروب ختم شد)

جلسه ۷۳

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه دوم شهر ذی حجه ۱۳۲۷

مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الدلک تشکیل و دستور مجلس روز یکشنبه بیست و نهم ذی قعدة قرائت شد

غائبین پس اجازه - حاج سید اسدالله قزوینی مشارالدوله ناصر الاسلام - ناصر السلطان - مصبر المالک آقای شیخ رضا دهخوارقانی

غائبین بدون اجازه - نجفقلی میرزا - محمد هاشم میرزا - شیخ المالک

رئیس - در صورت مجلس ایرادی هست یا نیست ؟ (ایرادی نشد) ملاحظاتی نیست صورت مجلس تصویب شد - دستور امروز بقیه شور اول در قانون سرباز گیری است از ماده ششم (ماده مزبور بعضون ذیل قرائت شد)

ماده ششم - کلیه افراد بنیچه تا درجه ششم بند در سن چهار و پنجسالگی از خدمت صف معافند

حاج سید رضا - چرا در سن چهار و پنجسالگی باید معاف باشند و حال آنکه حسن خدمت آنها از سن چهار تا پنجاه سالگی معاف باشند

معاون وزارت جنگ - توانائی افراد قشون از سن چهار بپند رو با نعطاط میگذارد ولی در این اواخر که ملل مسلحه بقاء و درام خودشانرا بزور قوه نظامی دانستند امروز قوه نظامی بنام ملل مسلحه نامیده شده اند از چهل تا چهل و پنج تجاوز کرده

چنانچه که از بیست و نه تا بیست و نه نفر از این مملکت ما همیشه خودشان را زیاد کنند ولی امروزه در مملکت ما همیشه احتیاجی نیست بملایم شخص از سن چهل و پنجسال بیلا نمی تواند با جوانان رفاقت نموده و استیادگی نماید یعنی در این سن دیگر برای افراد توانائی نیست و آدم پنجاه ساله نمی تواند با آدم بیست و نه ساله هم صف بوده و جنک کند

حاج سید رضا - فرمودند: (ملل متدنه تا سن چهل و پنجسالگی را اختیار کرده اند) ما که مردمان خودمان را می بینیم میدانیم که از سن چهل تا پنجاه قویشان اطلاعاتشان همه چیزشان بهتر از بیست و نه ساله است در این صورت بنده تقاضا میکنم تا سن پنجاه سالگی معین شود

رئیس - ملل متدنه نگفتند متوجه گفتند **حاج سید رضا** - بنده اشتباه کرده - **سر دار سید محمد خیر** - آنچه گفته شد ملل مسلحه گفته شد یعنی مللی که در تحت نظام اجباری باشند و خدمات نظامی را بیک ترتیب مخصوص اجرا میکنند و الا البته ما هم جزو ملل متدنه هستیم اما اینکه میفرمایند تا پنجاه سال معین شود باید بدانند که برای سرباز قوای دفاعی لازم نیست قوای پنی لازم است و محقق شده است که افراد از چهل و پنج سال بیلا خدمات صعبه نظامی را نمی توانند متحمل شوند مثل اینکه در سایر ممالک هم سرباز های چهل و پنجاه را بیدان جنک نمی فرستند از برای نگاه داری قلاع و معابر و حفظ راه هایی که گرفته اند بقراولی میگذارند مسلم است که سرباز چهل و پنجاه پدور خدمت جنگی نمی خورد بلکه از چهل بیلا هم هم پدور است

رئیس - ماده هفتم قرائت میشود (بعضون ذیل قرائت شد)

ماده هفتم - احضار و مرخصی افراد بنیچه برای صنوف مختلفه نظامی با تشخیص وزارت جنک بحکم وزیر جنک است

رئیس - در اینجا مخالفی هست؟ (اظهاری نشد) ماده هشتم قرائت میشود

بعضون ذیل قرائت شد

ماده هشتم - مدت خدمت افراد قشونی دفته نباید متجاوز از دو سال باشد

رئیس - در ماده هشتم مخالفی هست (مخالفی نشد) ماده نهم قرائت میشود

بعضون ذیل خوانده شد

ماده نهم - تعیین افراد قشونی هر معنی مطابق بنیچه از اشخاص یا دار یا مراعات شرایط (ماده) حتی الامکان مستقیماً از طرف مأمورین سرباز گیری بعمل آمده در صورتی که همه اشخاص دارای شرایط مزبور به اضافه بر ماخذ بنیچه معین باشد همه لازم با فرعه معین میشود

حاج شیخ اسدالله - عقیده بنده این است که این ماده با اصطلاح جان کلام است و باید در اینجا آقایان خیلی دقت کنند در این ماده بوزارت جنک اختیار می دهد که خودش هر کس را می خواهد از اشخاص یا دار انتخاب و تعیین نماید آنچه بنده تصور میکنم مراد از اشخاص یا دار این است که مالک ملک و صاحب بنیچه باشد صاحبان بنیچه متخلفند بعضی

ازدهات و قرا و مصیبات هست که بنیچه بین مالکین تقسیم میشود و با اصطلاح بنیچه معنی خورد میشود مثل اینکه در یک دهی که باید ده نفر سرباز بدهد شاید مالکین آن ده صد نفر باشند در این صورت باید این صد نفر در نفر سرباز را متحمل شوند و راه بیاندازند و به مأمورین دولت تسلیم کنند در یک مورد دیگر یک دهی هست که مال یک نفر است و مطابق این ماده مالک آن ملک که صاحب بنیچه است باید آن ده نفر سرباز را تهیه کند اگر بگویند در اینجا مراد از اشخاص یا دار آن رهبری است که در آن ده رهبری میکند عرض میکنم این اشتباه است زیرا آن رعیت یک شخص مزدوری است و صاحب بنیچه ملک و آب نیست فقط یک قسمت از زراعت را میبرد و در آنجا مزدوری میکند هر وقت فشاری باو بیارند ممکن است از آن رهبری صرف نظر بکند و برود بخیال خودش آزاد باشد پس این سرباز تحویل بر صاحب بنیچه (که مالک است) میشود در این صورت نمیدانم چطور تصور میشود که خود وزارت جنک در آنجا بتواند افراد قشون را انتخاب کند در صورتیکه مالک یک نفر است و شاید یک نفر جوان هم نداشته باشد و خودش هم بنیچه یا شصت سال داشته باشد در این صورت چطور سرباز بگیرند؟ پس چیزیکه ممکن است در این مورد تصور شود و راه حلی برایش پیدا شود این است که مالک از میان رهبای خودش یا اهالی آنجا این عده سربازی را که باید مطابق این مواد و شرایط تهیه کند معین میکند و مأمورین وزارت جنک معرفی میکنند اگر آن سرباز دارای شرایط بود که وزارت جنک میزبرد و مالک آن ملک ضمانت و کفالت او را میکند باین معنی که اگر آن سرباز فرار کند یا اسلحه دولت را ببرد عوض میدهد پس در این صورت وزارت جنک نمیتواند مستقیماً از مالک و صاحب بنیچه سرباز بگیرد پس مطلبی را جمع میشود بآن مواردیکه خورده مالک دارد (یعنی یک دهی که باید ده نفر سرباز بدهد و صد نفر مالک دارد) در این مورد مصیبات در سابق مختلف و محل ابتلای ما بود یک قسم این بود که از مالکین یک حق السکون می گرفتند و مالکین یک عده اشخاص را با این شرط معرفی میکردند و در صورتیکه دارای شرایط بودند مأمورین وزارت جنک می پذیرفتند و مثل یک ملکی که یک مالکی داشته باشد و با مالکین جزء رفتار میکردند و آنها هم آن سرباز را ضمانت و تکفل میکردند و بوزارت جنک تسلیم مینمودند بعضی از مواردی که یک قدری مأمورین میخواستند به اخلاقی کنند آن ده مورد ناخوش و تاز بود یعنی مأمورین وزارت جنک میرفتند در فلان قریه که باید ده نفر سرباز بدهد تمام جوانها و اشخاص را که می توانستند از آنها داخلی ببرند یکسان یکسان با هم سرباز می گرفتند و در شفا مبلتی از آنها می گرفتند و قطع نظر میکردند به همین ترتیب یک مبلغ کلنی از این ده یا از این قصبه از رعیت بیچاره پول می گرفتند آنوقت یک عده اشخاص را هم که لازم داشتند مالکین می آوردند بامورین تسلیم میکردند و آنها هم می پذیرفتند مثل این که امروز هم هم منظور شکایات از اهالی اسفهان و جاهای دیگر میرسد و خود آقای مومن اینجا تشریف دارند و شاهان قضیه هستند که شکایت میکنند و میگویند مأمورین وزارت جنک با هم اینگونه ما باید خودمان سرباز را معین کنیم استفاده مینمایند باید یک

سر دار هفتم - بنده تصور می کنم اگر یک قدری آقای حاج شیخ اسدالله دقت می فرمودند بالطبع این اشکال وارد نبود اینکه فرمودند دولت سرباز یا دار باید بگیرد و خود مالکین باید سرباز بدهند و در یک معنی که دولت بنده نفر سرباز محتاج باشد و یک مالک داشته باشد و آن مالک باید ضمانت بکند و این عده سرباز را بدهد آنطور نیست بجهت اینکه این قصبه راجع بمالک نیست دولت هم با مالکین طرف نیست برای اطلاع آقایان عرض میکنم آنچه در این ماده نوشته شده است چیز تازه نیست و تا اکنون معمول بوده است منتها بعضی مستثنیات داشته که مطابق این قانون باید حذف شود تا بحال سرباز گیری دو قسم بود در بعضی جاها مأمورین سرباز گیری مداخله مستقیم داشتند و در بعضی از محلها مداخله مستقیم نداشتند و بمالکین محل اطلاع میدادند که شما باید فلان عده سرباز بدهید خودتان معین کنید بنده اعتراف میکنم که در هر دو مورد اشکال وارد بود و اشکال هر دو را عرض می کنم در قسمت اول یعنی در مواردیکه مأمورین دولت مستقیماً از محل سرباز می گرفتند یک اشکالات اخلاقی وارد بود و باید این نکته در نظر آقایان باشد که اشکالات اخلاقی مربوط بقانون گذاری نیست بجهت اینکه این اشکالات را نمی شود با قانون رفع کرد باید بوسائل دیگر رفع شود اسامی شکل ثانی (یعنی واگذار کردن تعیین سرباز بمالکین) یک اشکال خیلی واضح بنده درصدا نشان داد چون البته تصدیق خواهند فرمود که سرباز شدن یک تحصیلی است و یک چیز خوبی نیست که یک عده اشخاص زراعت و خانه خودشان را بگذارند و بیایند سرباز شوند پس معلوم است اگر تعیین سرباز بمالکین یا برهائیان محل واگذار شود حتی الامکان در آن محل می کردند و یک کسی را که نه ببرد زراعت نه ببرد رعیتی و بیاباره آخری ببرد هیچ چیز نمی خورد و

تعیین میکنند و بدولت تحویل میدهند چون شرایط سرباز گیری فقط همین چهار شرط نیست که در قانون معین شده است بعضی شرایط دیگری هم هست که چون خیلی مفصل و مشروح است موقوف بنظامنامه شده است پس وقتی که ما منافع و مضار هر دو را ملاحظه کنیم و اطراف کار را بسنجیم تصدیق خواهیم کرد (و حقیقتاً هم همینطور است و در همه جا هم معمول است) که خود وزارت جنک باید در اخذ سرباز مداخله کند بجهت اینکه البته دولت در تعیین سربازهای خوب از مالکین محل ذینفع تر است بنابراین دقت دولت در تعیین سرباز زیاد تر خواهد بود

اما برای جلوگیری از مضموراتی که فرمودند اگر دقت میفرمودند در خود ماده هم میگوید (که از طرف مأمورین سرباز گیری بعمل خواهد آمد) و مأمورین سرباز گیری هم یک هیئتی خواهد بود و همان صاحب منصب یا سلطان قدیم نخواهد بود که منفرداً بعمل برود و هر کاری دلش میخواهد بکند یک هیئت مخصوص مأمور سرباز گیری میشوند که یک نفر از آنها از طرف وزارت جنک معین میشود البته مالکین و متنفذین هم بی مداخله نخواهند بود پس با تعیین یک هیئتی برای سرباز گیری آن معاین را که فرمودند رفع میشود اما با واگذار کردن تعیین سرباز بفرود مالکین اشکالاتی در عمل پیدا خواهد شد که از آن جمله ممکن است یک اشخاص بی مصرف و اشخاص که ببرد خدمت نظام نغورند داخل در خدمت نظام میشوند ایشان آن بیاناتی که فرمودند (که اگر ارباب محل از سرباز ضمانت بکنند) دیگر هیچ ایرادی وارد نیست بنده عرض میکنم که محتاج به ضمانت نیست بجهت اینکه مالک مسئول سرباز دادن نیست هر معنی مسئول سرباز دادن خودش است و بدون ضمانت بعضی اینکه آن سرباز از میان رفت آن محل مطابق قانون تکلف است عوض آن سرباز را بدهد در این صورت بآن ضمانتی که فرمودند احتیاجی نیست پس وقتیکه بطور خلاصه مطالبی را در نظر بگیریم فقراً مجبور خواهیم بود یعنی اگر آقا بکنندری بمصیبات قشونی نزدیک بودند تصدیق میفرمودند که منفعت دولت در این است که خودش سرباز را تعیین کند و شاید در بعضی جاها همینطور باشد ولی معلوم است در همه جا نیست با وجود آن معاینی که فرمودند باز بهتر این است تعیین سرباز بدولت واگذار شود و بنظر مالکین و رهائیا واگذار نشود

آقای سید فاضل - معلوم است که سرباز یک نوع مالیاتی است بنده هم در آن جهت که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند با این ماده مخالفم بواسطه اینکه مصیبات قدیم را که تا بحال دیده ایم همیشه اختیار تعیین سرباز بامأمورین قشون گیری بوده است و دیده ایم چه اجافاتی در محل می کردند وقتیکه وارد محل میشدند و میفهمیدند که بعضی اشخاص در آنجا هست که میتوان از آنها استفاده کرد مثلاً فلان حاجی زاده و رکن خدا زاده است یا فلان آدمی که یک املاک دارد و از برای سربازی حاضر نیست اینرا وسیله استفاده قرار میدادند اینکه آقای سردار معظم فرمودند مأمورین سرباز گیری یک نفر نخواهد بود و یک هیئتی خواهد بود بنده باز اشکال را زیاد تر میدانم بجهت اینکه اگر یک نفر بود چندان اشکالی نداشت و یکمی قانع میشد حالا چون زیادتر است

البته باید بیشتر استفاده کنند پس بعد از آنکه گفتیم سرباز هم یک نوع مالیاتی است در مالیات حق ادا با مؤدی است اینجا هم خود صاحبان بنیچه بعد از اینکه با شراعتی که نوشتیم یعنی اصول شرایط را (چونکه بعضی شرایط هست که مستحب است و میشود اغراض کرد) خود صاحبان بنیچه باید موافق شرایطی که در قانون ثبت شده اشخاص را حاضر کنند اما آن مسئله که بعضی املاک هست که مالکین کل دارد و مالک جزء ندارد بله دولت سرباز را از محل میگیرد و لکن در جا هایی که خورده مالک ندارد و مالک کل دارد این یک تحصیلی است بر آن مالک چون اگر مقصود از یاداری هلاکه مندی و ذینفع بودن از ملک است بعضی اشخاص خوش نشین در آن محل هستند که صاحب ملک کفالت و ضمانت از آنها میکنند در این صورت چه عیب دارد که ما ضمانت و کفالت صاحب ملک را کافی بدانیم در این خصوص بنده پیشنهادی هم کرده ام و بتمام ریاست فرستاده ام

مخبر - آقایان شرحی میفرمایند که بعد از آن توضیحی که آقای سردار معظم دادند گمان میکنم موقع نداشته باشد مثلاً میگویند صاحب منصب ها بدعات میفرستند و از مردم چیز میگیرند و چه میگیرند بنده عرض میکنم همیشه باید دقت در قانون و قانون گذاری کرد البته وقتی قانون وضع میشود یک مجازاتی هم در مقابلش هست این مطلب را در نظامنامه وزارت جنک کلاماً معین کرده و به موقع اجرا خواهند گذاشت چنانکه قبلاً در کمیسیون برای آقایان توضیح داده شد مثلاً در اینجا فقط میگوید باید دولت سرباز را از محل بگیرد و پیش از این گفته نمیشود اما وقتیکه بنظامنامه داخلی وزارت جنک رجوع شود معلوم میشود که یک نفر نماینده از طرف وزارت جنک باید مأمور گرفتن سرباز شود و یک نفر نماینده یعنی صاحب منصب آن دست باید همراه باشد یک نفر نماینده هم از طرف وزارت داخله و حکومت باید باشد یک نفر هم از طرف وزارت مالیه هست ملای محل هم هست یک نفر هم طبیب برای معاینه سرباز باید باشد پس وقتی که یک جمعیتی که مرکب از شش هفت نفر هستند از برای گرفتن سرباز بعمل میروند شاید تعجبی را که آنها میکنند دیگر اعمال آن غرضائی که تصور میشود نشود البته اگر بمان ترتیبهای قدیم بود که یک نفر صاحب منصب بمیل و دفاع خودش هر کس را میخواست می گرفت و هر کس را که میخواست ببرد شاید این ایراد آقایان وارد بود ولی با این نظامنامه که وزارت جنک معین میکند گمان میکنم هیچ ایرادی وارد نباشد از یکطرف میفرمایند آن شرایط در سرباز موجود باشد از یکطرف میگویند خود مالک مآبورد بنده اگر باختیار خود مالک باشد بعضی مفاسد دارد مثلاً ممکن است در یک نفر تمام شرایط سربازی موجود نباشد مثلاً اخلاقی فاسد باشد یا زودی کرده باشد البته اگر دزد باشد ببرد سربازی نمی خورد باین صاحب منصب نمیتوان بدون شرایطی که در قانون معین شده است او را قبول کند اینکه میفرمایند مالک باید سرباز بدهد و رعیت خوش نشین مزدور است اینطور نیست مالک حقش اینست که آن مقدار وجه یا غله را که باید بپردازد بدهد ادا کند بلی رعیت در دهات دو قسم است یا خوش نشین است یا زارع زار همین آندک

رئیس - در این خصوص مذاکره کافی نیست ؟ (بعضی گفتند کافی است و بعضی گفتند کافی نیست)

رای میگیریم آقایانی که مذاکره را کافی میدانند قیام نمایند

رئیس - در این خصوص مذاکره کافی نیست ؟

حاج شیخ اسدالله - قبلاً این مطلب را عرض میکنم خودم تصدیق دارم که متخصص در امر نظام نیستم و در مدرسه نظامی هم تحصیل نکرده ام ولیکن در تمام عمر یعنی از روزیکه حساس شدم و تمیز خوب و بد را میدهم مبتلای باین امر هستم بعقیده بنده بهترین علمها عمل است که تمام نکات خوب بود را با انسان می آموزد و تلقین میکند عرض میکنم در اینجا این فرمایشاتی را که بعضی آقایان فرمودند من نمیدانم حقیقتاً از چه نقطه نظر است آقای سردار سعید میفرمایند از رهائیا مزدور سرباز گرفته میشود باین معنی از رهائیا یکی که در ملک ادبایی رعیتی میکنند سرباز میگیرند در حالتیکه این منافعی با سرباز گیری بطرز بنیچه است یعنی چه؟ بنیچه را شرح بدهند که بدانیم چه چیز است بعقیده بنده دولت در هر محلی از زوری میزان مالیات تعیین سرباز کرده است یعنی معین زفته تصدیق کرده است که این محل باید دارای ده تومان یا بیست تومان بنیچه باشد واز برای یک تومان یا یانزده قران باید بکنند سرباز بدهند آنوقت از این نقطه نظر راجع بمالیات میشود نسبت بمالیاتی که باید از آن محل بگیرند جمع بندی میکنند واز روی این بنیچه مالیات سربازی گیرند در اینجا بنیچه سرباز بطرز بنیچه گرفته میشود یعنی از مالک بنیچه سرباز میگیرند و الا بنیچه خودش یک چیز موهومی و فرض است اگر معنی نداشته باشد هیچ قابل اینکه سرباز بدهد نیست خود ملک و خود محلی که آقای سردار معظم میفرمایند مسئول سرباز است مسئول سرباز نیست محلی یعنی چه؟ یعنی زمینش؟ یعنی آب و خاکش مسئول سرباز است؟ اینطور نیست بلکه مالک بنیچه مسئول سرباز است اینست که مالک بنیچه نیست ابتدا مسئولیت سرباز دادن را ندارد حالا

که در واقع شرکاء مالکین هستند مجبورند سرباز بدهند اگر اینقرار را بگذاریم ممکن است همه داخل در قشون شوند که از نقطه نظر نظامی بعضی معایب داشته باشد چون از برای خدمات نظامی از نقطه نظر نظامی خیلی مطالب قابل ملاحظه است مثلاً ملاحظه آب و هوا اهمیت دارد مسئله نزادی اهمیت دارد از این قبیل چیز ها خیلی است که قابل ملاحظه است مثلاً فوج دودانگه مازندران را که یک مأموریتی میدهند وزارت جنک این ملاحظه را خواهد کرد که آنها را برهت بفرستند که در آنجا بنیچه آب و هوا بهتر میتوانند از عهده خدمت بر آیند بنیچه اینکه اگر اهل عراق باشند شاید نصف آنها در آنجا بمانند یا ناخوش شود پس باین دلیلیکه مرض مردم باید اختیار تعیین سرباز با وزارت جنک باشد منتها زار همین هر محلی مجبورند از عهده سرباز آن محل بر آیند و مالک کل هم تکلیفش این است که آن حق معینه سرباز را بدهد

رئیس - در این خصوص مذاکره کافی نیست ؟ (بعضی گفتند کافی است و بعضی گفتند کافی نیست)

رای میگیریم آقایانی که مذاکره را کافی میدانند قیام نمایند

رئیس - در این خصوص مذاکره کافی نیست ؟

حاج شیخ اسدالله - قبلاً این مطلب را عرض میکنم خودم تصدیق دارم که متخصص در امر نظام نیستم و در مدرسه نظامی هم تحصیل نکرده ام ولیکن در تمام عمر یعنی از روزیکه حساس شدم و تمیز خوب و بد را میدهم مبتلای باین امر هستم بعقیده بنده بهترین علمها عمل است که تمام نکات خوب بود را با انسان می آموزد و تلقین میکند عرض میکنم در اینجا این فرمایشاتی را که بعضی آقایان فرمودند من نمیدانم حقیقتاً از چه نقطه نظر است آقای سردار سعید میفرمایند از رهائیا مزدور سرباز گرفته میشود باین معنی از رهائیا یکی که در ملک ادبایی رعیتی میکنند سرباز میگیرند در حالتیکه این منافعی با سرباز گیری بطرز بنیچه است یعنی چه؟ بنیچه را شرح بدهند که بدانیم چه چیز است بعقیده بنده دولت در هر محلی از زوری میزان مالیات تعیین سرباز کرده است یعنی معین زفته تصدیق کرده است که این محل باید دارای ده تومان یا بیست تومان بنیچه باشد واز برای یک تومان یا یانزده قران باید بکنند سرباز بدهند آنوقت از این نقطه نظر راجع بمالیات میشود نسبت بمالیاتی که باید از آن محل بگیرند جمع بندی میکنند واز روی این بنیچه مالیات سربازی گیرند در اینجا بنیچه سرباز بطرز بنیچه گرفته میشود یعنی از مالک بنیچه سرباز میگیرند و الا بنیچه خودش یک چیز موهومی و فرض است اگر معنی نداشته باشد هیچ قابل اینکه سرباز بدهد نیست خود ملک و خود محلی که آقای سردار معظم میفرمایند مسئول سرباز است مسئول سرباز نیست محلی یعنی چه؟ یعنی زمینش؟ یعنی آب و خاکش مسئول سرباز است؟ اینطور نیست بلکه مالک بنیچه مسئول سرباز است اینست که مالک بنیچه نیست ابتدا مسئولیت سرباز دادن را ندارد حالا

فرض میکنم سربازگیری بطرز بنیجه باشد آتوق هر کس که در آن بنیجه دارای تقسیم شد باید سرباز بدهد مثلا اگر بنیجه خوردمشد و در آن ملکده نفر دارای ۱۵ قران بنیجه شدند آنوقت در این محل این ده نفر باید یکسرباز بدهند اگر تمام آن بنیجه هم قابل یکسرباز باشد تمام آن ده نفر سرباز آن محل را هم تعویل بر مالک میشود و تحویل بر آب نمیشود تعویل برخاک نمیشود سرباز چیزی نیست که بر آب و خاک تعویل شود متعلق این سرباز آن مالکین و اشخاص هستند که در آنجا منافع میشوند عرض کردم مکرر هم عرض میکنم رعیت مزدور است و آزاد است اگر باو فشار بیآورند رعیتی نمیکند و میروند نمیشود باو حکما گفت تو بیا در اینجا رعیتی کن و سرباز بده مگر بگویم رعیتی میکنم از این ملک هم منافع نمیشود سرباز هم نمیدهیم نمیشود او را مجبور کرد که حتماً با سرباز بدهد پس سرباز بده مالک است عرض کردم که اگر یک دفعه مالکش یک نفر باشد و تمام بنیجه مال آن یک نفر باشد آن سرباز و آن عده که معین است باید همان یک نفر مالک تهیه کند ولی اگر مالک متعدد شد مثلا ده نفر یا بیازده نفر دارای بنیجه یک نفر سرباز شدند آنوقت آنها باید یک نفر سرباز را بدهند در اینصورت اختیار را بکنی و اگذار کردن بمأمورین سربازگیری غلط است خود آقای سردار معظم که دفاع فرمودند البته تصدیق دارند که آن معایب در ضمن توباید میشود و الان هم با اینکه هنوز این مسئله رسمیت پیدا نکرده است و مجلس هم هنوز رأی نداده مردم را در ولایات بفشار انداخته اند پس باید این اختیار را بکنی بدهند که مردم زیاد در فشار نباشند یعنی این شرایط سربازی که معین کرده اند مالک بگویند و باو بگویند که سرباز باید دارای صحت مزاج باشند ناقص الخلقه نباشند پادار باشند مثلا یا داری در این جا قید شده است به چه تعیین میشود؟ البته این معین میشود که مالکین آن بنیجه تعهد و ضمانت بکنند که اگر این سرباز قرار کرد عوض او را قورا در هر محلی که دولت بخواهد حاضر کنند اگر اسلحه دولت را برد مالک بدهد در اینصورت دیگر گفتگویی نیست اما اینکه میفرمایند علاوه بر آن شرایطیکه اینجا نوشته شده است یک نکات و فلسفه دیگر هم هست نکاتی که قابل ذکر نباشد دیگر بنده هلم غیب ندارم که به بنیم چه نکات و چه فلسفه هست بنده از روی آن فلسفه و نکات تصدیق کنم که آیا صحیح است این تعویل بر بر رعیت و خوردن مالک بکنند یا خیر؟ بند فقط عرض میکنم اختیار را باید بمالک داد اگر اشخاصی را که لایق و شایسته سربازی نباشند و دارای شخص را که توبرای سربازی معرفی میکنی دارای شرایط نیست قابل نیست این شخص تریاکی است مریض است ناقص الخلقه است و بالاخره یک سربازی را که خور مأمورین به بستند و در کمال رشادت و شجاعت و قوت و بی عیب باشد می آورند و تسلیم مأمورین نظامی میکنند و در این صورت هیچ اشکالی هم وارد نیست

محدث السلطنه - خیلی مایه تأسف است که ما ترتیبات سابقه را مدرك امروزه فرار میدهم و در

هر مورد و مرتبیکه يك لایحه بجلس میآید فریاد میکنند که سابقاً اینطور مردم فشار وارد میآوردند و باید حالا دست مأمورین دولت را بندیم و اختیار بکنند و دولت هم سرش بیگانه باشد اینطور نیست ما باید قانونی وضع کنیم که مأمورین دولت نتوانند آمدی و ظلم برهت وارد آورند رعیت هم نتواند از حدود خود تجاوز کند و بالاخره هیچکدام نتوانند بیکدیگر تعدی کنند اگر ما عاجز هستیم از این مطالب جو گیری کنیم پس بهتر این است که هیچ قانون نویسیم و لایق ملایم که ملازم نیست ملاحظه بفرمایید باستانی این شرایطی که در ماده پنجم ذکر شده است شرایط دیگر هم در سرباز هست سرباز حافظ ملک است سرباز حافظ حقوق ملت است سرباز باید يك آدم باشف پادار و رنگی باشد که بتواند آن شرافت سربازی را حفظ کند والا هر وقت دوره کرد صحرا کردی نمیشود سرباز کرد و البته منافع و ارباب و زارعین و مالکین هم در این است که آنکسانی را که بیکاره هستند و بکارشان نمیخورد از پیش خود خارج کنند و با سربازی بدوالت بدهند لهذا ما باید ملاحظه کنیم این سربازی را که میخواهیم بگیریم سربازی باشد که ملک را حفظ کند نه اینکه بملکت خیانت کند یا فرضاً نقشه های جنگی و مطالب سری دولتی را افشاء کند باین جهت بنده با ماده موافقم و عرض میکنم این شرایط چهارگانه که در وزارت جنگ هم در کار باشد که سرباز پادار و زورنگ صحیح انتخاب کند و این هیچ اشکالی ندارد و میشود در نظامنامه که در وزارت جنگ نوشته خواهد شد بطوری جلوگیری از این ظلم و تعدی که میگویند بر مردم میشود بکنند

مجلس - همان طوری که آقایان در سرباز گرفتن مهارت دارند ما هم در سرباز دادن مهارت داریم (هر کس بلام خودش) آنچه تا بحال دیده ایم اختیار دست مأمورین دولت بوده البته مأمورین محترم رعیت ایرانند و همچنین رعایا هم محترم و رعیت ایرانند و همه در عرض هم هستند و باید مراتب همه محفوظ باشد ولیکن عرض کردم که ما تجربه کرده ایم و میدانیم باین زودیها هم اخلاق ما عوض نمیشود خوب است هدین مجازاتی را که میفرمایند از برای مأمورین معین میکنیم از برای رعایا هم معین کنند که اگر تخلف کردند مجازات شوند این قیاس مساوات است اما در این ماده عرض میکنم این پاداری که ذکر کرده اند مجمل است پادار باشد یعنی چه؟ ممکن است هر کس را بیآورند بگویند پادار نیست پادار یعنی چه؟ یعنی ملک داشته باشد؟ خانه داشته باشد؟ حق السکره داشته باشد؟ پس باید لفظ پادار را از اجمال بیرون آورد و معلوم نمود که مراد از پادار چیست دیگر اینکه بنده بقیه بنده اینرا باید جزو شرایط بنویسند و در آن ماده که شرایط را می نویسند این شرط را هم ذکر کنند و باید معین کرد که مراد از پادار چیست باید ضامن داشته باشد یا خانه یا مال داشته باشد والا اگر معین نکنند بهر قسمی که مأمورین خودشان میخواهند ایراد میکنند مثلا یکی را میآورند در خانه دارد و مأمورین میگویند با دار آنست که ملک داشته باشد یا اینکه یکی را میآورند که کار و ملک دارد

میگویند پادار آنست که خانه داشته باشد پس باید پادار را در این قانون معین کرد که اسباب زحمت از برای مأمورین مردم نشود و اما اینکه فرمودند اختیار باید بدست مأمورین باشد گمان نمیکند تجربیات سابقه را کسی فراموش کرده باشد یا انکار داشته باشد و اینکه آقایان میفرمایند بعد جلوگیری میشود ما چیزی را که بهین دیده ایم و ابتلا داشته ایم نمیتوانیم باینکه (بعد جلوگیری میشود) قناعت کنیم و مطمئن شویم و اینکه میفرمایند شرایط در نظامنامه نوشته میشود بنده منکر این مطلب هستم زیرا شرایط را رایباید در قانون نوشت نظامنامه از برای کیفیت اجراء قانون است مگر در اینجا شرط کنند که سرباز باید دزد نباشد و دارای بعضی صفات نباشد و بخواهند در نظامنامه بنویسند قانونی نخواهد بود نظامنامه را که وزارتخانه بنویسد کیفیت اجراء قانون را معین میکند و نمیتواند شرطی را که مذخبت در قانون دارد در نظامنامه بنویسد لهذا عرض میکنم خوب است تمام شرایط را در اینجا پیشنهاد کند و در قانون ذکر کنند اما اختیار تعیین سرباز مکرر عرض میکنم با آن فرمایشاتی که بعضی آقایان فرمودند کاملا موافقم و باین زودی اخلاق ما عوض نمیشود علاوه دولت سرباز دارای شرایط میباید اگر مالکین بآن شرایط پیشنهاد کردند باید قبول کند و اگر دارای آن شرایط نباشد مالکین میگویند این سرباز خوب دارد او را عوض کنید اما اینکه میفرمایند حتماً اختیار بدست مأمورین باشد نمیتوانم آن فلسفه که آقایان را الزام کرده است که اینقدر اصرار دارند چه چیز است؟ گمان نمیکند بجز اسباب زحمت خودشان و دیگران نتیجه داشته باشد بله اگر بگوئی مردم خیلی با اخلاق و مأمورین هم تربیت بشوند ممکن است اختیار بدست مأمورین داده شود ولی امروزه بقیه بنده این يك خدمتی است باین مالک که اختیار را بدست صاحب بنیجه بدهیم که صاحب بنیجه سربازی را که دارای شرایط مقرر در این قانون است پیشنهاد کند اگر دارای شرایط است قبول کند والا رد کند

معاون وزارت جنگ - اگر چه نماینده محترم کمره عذر خواستند از اینکه چون در خط سربازی نبوده اند اگر بعضی عنوانات میکنند از روی يك مطالعه خصوصاً است نه از نقطه نظر سربازی چون این عذر را خواستند لهذا اعتراض زیادی بر شخص محترم ایشان وارد نیست بقیه بنده باید در مسئله سربازی بفرسده آن وارد شویم پس از این نقطه نظر سربازی که من میبینم باید بدهند و الا اگر آن مرد رعیتی که در دماست وقتی خودش بکیف خودش سرباز بدهد شاید دارای خصایص که بنده میخواهم نباشد مثلا در ماده پنجم چهار شرط قید کرده ایم اگر میخواستیم تمام قیودات و شرایط سربازی را پیش بینی نمائیم و در اینجا قید کنیم شاید این قانون که در دو صفحه شده است متجاوز از دوست صفحه میشد مثلا اگر بقیه آقایان مخالفین نباشد سرباز را رعیت بدست آدمی که بنده میدادند که قدس بکنند و نیم باشد و حال اینکه بکنند و نیم قد در سربازی هست و حتماً باید متجاوز از یکدو نیم باشد یا مثلا يك آدمی

می دادند که تریاکی باشد و تریاکی يك آدم جون میبوی است که ببرد سربازی نمیشود یا این که يك آدمی میدادند که مهمل ترین سکنه ده باشد و بهیچ کاری نخورد و معلوم است کسیکه درده ببرد هیچ کاری نخورد مخصوصاً از برای سربازی هیچ ببرد نمیخورد و هکذا و هکذا هزار گونه ملاحظاتی دیگر هست که چون فعلا نظامنامه حاضر نیست و در نظر ندارم نمیتوانم عرض کنم باین جهت نمیشود تمام آن خصایص را در قانون نوشت مثلا بعضی چیزها هست که جزء اساسیات سربازی است مثلا اینکه يك سربازی را بواسطه اندک چیزی ما حق داریم مطابق اصول سربازی تیر باران کنیم و این يك چیزی است که در نظر اشخاص سیویله خیلی نامعقول است مثلا اگر يك کسیکه سرباز نباشد بگوید در فلان ائبار دولت چقدر ملزومات هست چندان ایرادی بر او وارد نیست اما اگر يك سربازی بترف مقابل این مسئله را بگوید فوراً مستنار تیر باران است این است که تمام زندگانی سربازی مخالف با زندگانی سیویله است چنانچه خزانه جدا دارد معاکمه جدا دارد همه چیز سرباز جدا هست و سرباز را باید سرباز به بستند و بنده نمیدانم که این اعتراضات آقایان مبئی به چه مسئله است علاوه تصور نمیکنم سوء استعمال سابقه با تدوین قانون و انتظام نظامنامه دلیل بر سوء استعمال آتی هم بشود تصور میکنم اگر آقایان همانطوریکه آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند همه سربازی کرده بودند هیچکدام در این ماده مخالفت نفرمودند اما مقصود از پاداری که فرمودند چه چیز است عرض میکنم مقصود از پاداری معین است اگر در ده و زراعت است باید در قسمتی از زراعت شرکت داشته باشد و اگر ایل است و حشم دار است باید شتر و حشم و امثال این چیزها را داشته باشد و اگر يك قصبه است که بیشتر سکنه آن قصبه اهل صنعتند باید خانه و دکان داشته باشد تمام این قیودات و مقررات در نظامنامه نوشته خواهد شد که پاداری یعنی چه؟ چه شکل معامله باید بشود مثلا مأمورینی که بجزوه فلان فوج میروند برای تعیین سرباز چه نظری باید داشته باشد طیب چه نظری باید داشته باشد فلان محل چه نظریاتی را چه بدین عقاید او داشته باشد نماینده حکومت محلی چه نظری داشته باشد که آیا این آنجا دزد است یا دزد نیست نماینده وزارت جنگ هم باید نظر داشته باشد که سر کرده در این تقابلی نکنند يك چیزی بگیرد و او را بدهد بنا بر این بنده تصور میکنم صحیح نباشد این امر سربازگیری که در همه دنیا ایتمه توجه بآن میشود در این ملک آقدر مورد سهل انگاری بشود و برای این يك جزئی اختیار که بوزارت جنگ باید داده شود بخواهند این اختیار را سلب کنند

رئیس - مذاکره کافی است یا کافی نیست؟ (باز بعضی کافی و بعضی غیر کافی میدانستند) رأی میگیریم که مذاکرات کافی است یا کافی نیست چند فقره پیشنهاد هم رسیده است آقایانیکه مذاکره را کافی میدانند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - مذاکره کافی نیست

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - بلی بنده

نیخواهم آنچه را که جاری می شود عرض کنم و این قانون را هم از روی آن جریانات برداشته اند و این جا نوشته اند عرض میکنم اولاً در عالم مخصوصاً در اصلاح سربازی اشرف اعمال است (فضل الله المجاهدین علی الفاعلین) آلتان شرافت قشونی در تمام مالک عالم بالاترین شرافتهاست ولی در مملکت ما سرباز و توپچی بدترین و پائین ترین مردم است حتی از عمله هم بدتر است یعنی آنها را از شرف انداخته اند پس باید به آنها شرافت داد و از اشخاص شریف سرباز گرفت حتی اگر بتوانیم شرط میکنیم سوار داشته باشند باید بنویسیم سابقه بد نداشته باشند چند صفات خوب داشته باشند چطور است در دهه ها بنویسیم و در اینجا بنویسیم که مرتکب جنحه و جنایت نشده باشد یا مثلا مفلس نباشد سربازی شرایط زیاد و ترتیب صحیح لازم دارد علاوه سؤال میکنم اینجا نوشته اند در صورتی که عده اشخاص دارای شرایط مزبوره اضافه بفرماید بنیجه محل باشد) در کجا در تمام ایران پادرممان ده اگر این است پس باید نوشت هر گاه عده اشخاص در آن محل بقدر کافی است مجبوزند سرباز باشند و اگر زیاد باشند باز بقره مجبوزند سرباز شوند پس این مجبوزیتی که میفرمایند در کجا است؟ در همین جا است که میخواهند از محل یا از مالکین باشد باید اول بنویسند هر گاه از خانواده مالکین پادار همان دهده اشخاص لایق بقدر کافی است مجبوزند سرباز باشند و اگر زیادتر باشند بقره تعیین میشوند پس بقیه بنده باید معین شود که این اضافه عده اشخاص دارای شرایط مزبوره نسبت به محل است یا در تمام ایران و همچنین باید پادار را هم معین کرد که خالص بقدر دارائی داشته باشد یا اینکه ضامن داشته باشد و الا اگر لفظ پادار تنها باشد دیه مایم که هزار قسم میگردد یکی را بیرون میکنند و دیگری پادار نبود و یکی را پول میگیرند خارج میکنند و دیگری پول میگیرند داخل میکنند و بدون جهت بعضی اشرار را ببرد بعضی دهات مسلمان میکنند آن وقت میبینیم يك ده را يك سرباز خراب کرده است چرا؟ برای اینکه يك آدم شریری بوده پول داده سرباز شده است و پدراهل دهات را دزد آورد البته باید خیلی دقت و شرایط کرد که از این ترتیبات جلوگیری شود و مردم از این بلا های سابق خلاص شوند

حاج شیخ محمد حسن گروسی - اولاً عرض میکنم مسئله سربازی و قشون گیری تکلیف است نه تعویل و این تکلیف بر همه است نهایت نظر باینکه مقداری که امروزه لازم است بتوانند تشکیل بدهند این مسئله بنیجه را پیش کشیده اند لکن اساس را تغییر نداده اند باین معنی که طرف خود فرد اشخاص هستند و مالک ابتدا مدخلیتی در این باب ندارد بلکه مالک و رعیت یکسان است مالک چه حق دارد؟ مالک مالک ملك است نه مالک اشخاص این تکلیف متوجه بر اشخاص است نه بر ملک و تمام اشخاص مکلف باین امر هستند تنها تکلیف مالک نیست که بیا به طرف شود و ضمانت او هم غلط است او هم یکی است مثل سایر رعایا و از این حیث تفاوتی ندارند

منها مسئله بنیجه عمومی سمه و ضیق است و کوچکتر بزرگ بودن دائره است والا اساس تفاوت ندارد طرف این تکلیف تمام اشخاص مگر صاحبان اعدار از قبیل عجزه و نسوان و مجانبین اینطور اشخاص که شرعاً هم مذکورند باین عارض می کنن این فرمایشاتی که بعضی آقایان فرمودند که مالک ضامن است این اساساً غلط است بلکه طرف این تکلیف خود اشخاصند بدون اینکه مالک بتواند در این خصوص نسبت بآنها جنبه تسلط و استیلائی اعمال بکند و البته بعد از آنکه این شرایط از برای سرباز معین شدن کسیکه مأمور گرفتن جمع آوری سرباز است باید نظر کند ببیند در آن شخصیکه در فلان محل حاضر شده یا طایفه اش او را معین کرده اند سرباز شود این شرایط موجود است یا موجود نیست پس اساساً باید خودشان با مأمورین طرف شوند و این امورات ربطی بمالکین ندارد و حالا می آیم برای قضیه که بعضی ترتیبات شده و میشود بعضی رشوه ها گرفته و میگیرند پس باید برای این اتفاقاتی که می افتد علاجی کرد و جنبه اشکال را رفع کرد نه اینکه کلارا بر گردانیم و وارونه کنیم و مسئله ضمانت مالک را از کسی که علاقه ندارد و بیش بیآوریم بایکوتیم اگر از جنگ فرار کرد او را کفالت کند آن خرابی که نباید بشود بواسطه فرار او فرجام آمده است آن وقت پس دادن تفنگ و اسلحه سرباز علاج درد را نمیکند پاداری آن علاقه است که آن شخص دارد اگر فرار کرد دو باره خود او مسؤل باشد و بواسطه آن علاقه که دارد نتواند بجا های دیگر متواری شود والا مالکین کسانی که بجا غیر از کواچرانی علاقه و کار دیگری ندارند معرفی میکنند و آن شخصی که پادار است و زراعت و سایر منافع را دارد می گویند من منافع ملکی خودم را میبرم برای چه صرف نظر از آن فائده خودم بکنم و بروم سرباز شوم آن وقت میروم فلان کواچرانرا که بهیچوجه فایده محلی برای مالک ندارد و او را منتخب میکنند و می گویند سن او بالغ بر هجده سال و فلان و فلان است باین طریق او را بدوالت میدهند بعد از آنی که دادند آن شخص کواچران هم ابتدا دل بستگی بآن محل ندارند پس از آنکه رفت البته مقام جان فشانی و جان بهدر دادن است مسئله سهلی نیست که بیاید خودش را بکشتن بدهد علاقه و پایبندی هم که ندارد آن وقت فرار میکند اسباب هزیمت قشون همین قبیل اشخاص میشوند پس اشخاص پادار لازم است و طرف آنها هم خود دولت و مأمورین دولت باید باشند نه مالکین که پایبند و ضمانت آن ها را بکنند

حاج شیخ اسدالله - بنه این جا چند قسم مخالفت یعنی دفاع شد یکی یکی آنچه را بنده در نظر دارم بطور اختصار عرض میکنم اما آنچه را که آقای معارن وزارت جنگ فرمودند از اینکه بنده نظامی نیستم بنده خودم عرض کردم ولیکن آقا هم سربازگیری را بادیسیلین نظام داخل هم نمیدوند آنوقت دیسیلین نظامی را برای دفاع از عقاید بنده دلیل می آورند و به آن استدلال میفرمودند اینکه میفرمایند من سرباز میخواهم که در میدان جنگ کند آن يك قانون نظامی و يك دیسیلین و ترتیباتی لازم دارد که آن اشخاص که بچنگ میروند مجبور باشند مطابق آن دیسیلین نظامی رفتار کنند بجهت اینکه هیچ چیز در موقع کشته شدن جلوگیری از

فرار نمیکنند جز درسیبیلین نظامی والا اگر شخص ملک داشته باشد فرار میکند ملک هم نداشته باشد فرار میکند جزبیکه از این فرار جلو گیری میکند همان حسابات وطن خواهی یا قانون و دیسیبیلین نظامی است اینستطلب خیلی بهم مشتبه شده اداخل دولترز سربراز گیری از رعایا و صاحبان بنبیجه هستیم هیچ داخل در ترتیبات نظام در موقع جنگ نیستیم آقای معارون خوب ملتفت هستند بنده کجای کلاهرا گرفته ام و عرض میکنم ایشان هم خوب میدانند چه جور دفاع میکنند بنده میخواهم از آن وقایع ناگوار و ناملاعاتی که مامورین در زمان سابق نسبت برعایایم بگرداند جلو گیری بکنیم و آنهم باین تبابین اخلاق جلو گیری نباشد مگر باین ترتیب که بنده عرض کرده و پیشنهاد کرده ام اما فرمایشاتی که آقای حاج شیخ محمد حسن فرمودند که سربراز از نفوس گرفته میشود و تعمیل برهیا میشود بنده باز برمیگردم بنبیجه نمیدانم بنبیجه را دور می اندازند؟ پس سربراز گیری بطرز بنبیجه یعنی چه؟ در اینستوقع که ما برای آن معاینی که ممکن است در وقت گرفتن سربراز بیش بیاید داریم جلو گیری میکنیم و میکردند و میگویند نفوس باید سربراز بدهند مطلب این است که سربراز گیری در اینجا بطرز بنبیجه اجباری است یعنی مالکین بنبیجه مجبورند سربراز راه بیندازند اما اینکه میفرمایند ممکن است یک کالجورانی را بیاورند سربراز کنند و شاید در موقع جنگ فرار کند پس خوبست آقای بک نظری و عطف توجهی بطرز قشون گیری عمومی بفرمایند آنوقت چه میکنند که همین حالاهامین لامله ماهمین همین هم باید داخل در نظام شوند پس آنوقت همه در موقع جنگ و ضرورت فرار میکنند اینطور نیست چیزیکه در موقع حاجت از فرار جلو گیری میکنند و آنها را مجبور بچنگ میکنند همان دیسیبیلین نظامی است که باید آنها در وزارت جنگ کلاسا مجری دارند که جلو گیری از فرار بشود والا این فرمایشاتی را که میفرمایند راجع سربراز گیری نیست **سردار معظم** - بمقیده بنده اینجا دو مطلب است که هر دو در عرض هم نیست یکی از آقایان اشکالی کردند فرمودند باید پادار را تعریف کرد که معلوم بشود پادار چه چیز است اما اشکالی نداریم در اینکه بالاخره یک تعریفی برای یاداری قسائل شوم (اگرچه در عالم نظامی گری مقصود از یاداری اصطلاحاً معلوم است) ولی باوجود این اشکالی نداریم که در خود ماده تعریف شود پس این اشکال محل ابتلاء نیست چیزی که محل ابتلاء است و مسئله خیلی اساسی است آن است که در موقع سربراز گیری آیا باید نظر دولت بر نظر اهالی تقدم داشته باشد یا نظر اهالی بر نظر دولت مقدم باشد در اینجا ممکن است بین دو منفعت که یکی منفعت دولت و دیگری منفعت اهالی باشد مصادمه واقع شود آقایانیکه در اینجا بتوان معایب قشون گیری سابق اظهاراتی فرمودند نظرشان را منافع مردم متوجه کرده اند البته نمایندگان ملت باید منافع مردم را حفظ کنند اما نه در همه موارد زیرا بعضی موارد است که منفعت دولت مقدم بر منافع افراد والیه در قوانین مربوطه بنظام باید بطور شدید این مسئله مراعات شود و قبل از مراعات منافع مردم منفعت قشون و منفعت نظام و منفعت دولت باید مراعات شود شاید کسانی باشند

که باین نظر اساسی مخالف باشد ولی بنده وقتی که منفعت دولت را در یک کفه ترازو و رفاهیت رعایای آن محل را در کفه دیگر میگذارم بدون هیچ تردید منفعت دولت را ترجیح میدهم پس وقتی که این نظر را پیدا کردیم نتیجه قوری این میشود که واگذار کردن اختیار تعیین سربراز باید بدولت باشد بالاخره رجوع کنیم بایراد هائی که شد و ببینیم چه ایرادی کردند؟ یگانه ایرادی که قابل دقت بود و ذکر شد این بود که اگر اختیار گرفتن سربراز را بمامورین دولتی واگذار کنیم از این اختیاری که بآنها واگذار میشود سوء استفاده میکنند و اسباب اذیت مردم را فراهم خواهند کرد غیر از این که بنظر بنده نباید فرض میکنیم که این اختیار را ما از مامورین دولت سلب کردیم و تعیین سربراز را بمالکین و رعایای محل واگذار کردیم که خودشان مختار باشند پنج نفر یاده نفر سربراز معین کنند آیا در اینصورت بالاخره اختیار زد را بمامورین دولت خواهد داد یا نه؟ باینکه مامورین دولت را آنقدر بی اختیار خواهیم کرد که هر کس را بیاورند آنها مکلف باشند بپذیرند البته تصدیق خواهیم فرمود که این اختیار را همان طرفداران رفاهیت مالکین هم باید بدولت بدهند پس اگر ما یک مامورین بد اخلاقی داشته باشیم از همین اختیار سوء استفاده خواهند کرد و همبقتدر که بآنها اختیار دادید که حق زد سربراز را داشته باشد آنقدر در خواهند کرد که آن بجاه تومان را که میفرمایند بگیرند پس در همین این قبیل چیزها جلو گیری نمیکنند و برای جلو گیری از سوء استفاده از قانون با خود قانون نباشد جلو گیری کرد و بایک قوانین خارجی و بایک مجازات هائی باید جلو گیری شود علاوه در اینجا بر مجوریم بیک نظر دیگری که ببینیم مبنای قوانین که نوشته میشود چه چیزی است اما مبنای قوانین باید سوء ظن باشد یا حسن ظن؟ باید این را تعیین کرد بعضی شاید عقیده شان این باشد که مبنای قانون باید سوء ظن باشد ولی بنده عرض میکنم آنوقت آن قانون بهیچ دردی نمیخورد بجهت اینکه وقتی سوء ظن زیاد شد بطبعاً فقر انسان نباید بهیچکس اطمینان داشته باشد و اختیاری بدهد و نتیجه اش تولید یک هرج و مرج اداری خواهد بود پس مقتن در موقع قانون گذاری مجبور خواهد بود که نظر حسن ظن داشته باشد نه نظر سوء ظن آن وقت در خارج باید یک چیزهائی تهیه کنند که اگر یک کسی خواست از آن قانون که مبتنی بر حسن ظن است سوء استفاده کنند بتواند جلو گیری کند اولاً در قانون گذاری بخصوص در قانون قشون گیری باید منافع مردم فدای منافع دولت بشود و ثانیاً مبنای قانون باید حسن ظن باشد نه سوء ظن پس وقتیکه این دو نظر داشته باشیم باید بطبعاً تعیین سربراز را بدولت واگذار کنیم زیرا در ذات سربراز خوب ذی نفع است مالک و رعایای محل در دادن سربراز خوب ذی نفع نیستند اگر چه آقای زنجانی فرمودند که سربرازی یک شرافتی است که همه مردم با کمال رقت باید برای تحصیل این شرافت حاضر شوند ولی در عمل میبینیم این طور نیست و بعضی ها هستند که از قبول این شرافت طفره دارند پس باید اختیار حاضر کردن و مجبور کردن آنها بدولت (که در سربراز داشتن ذی نفع

است) واگذار شود اگر آقایان بآن سربراز هائیکه اختیار اخذش با دولت و بآن سربراز هائیکه خود مالکین میدهند مراجعه فرمایند ملاحظه خواهند فرمود که بین این دو تفاوت بین دیده خواهد شد بنده خودم این امر را ببعوی دیده ام ما در خراسان دو فوج داریم یکی فوج قرائی که افراسربراز آن را دولت میگیرد یکی فوج ترشیزی است که خود اهالی سربراز آنها میدهند بنده اطمینان میدهم که فوج ترشیزی نسبت بقرائی بدترین سربراز است بجهت اینکه مالک در دادن سربراز ذی نفع نبوده است مالک میخواهد یک کسی را که بدر هیچیک از احتیاجات محلی نمیخورد بدولت بدهد بالاخره همانطوریکه آقای گروسی فرمودند آن فوج عبارت میشود از یک اشخاص خوش نشینی که بهیچوجه علاقه بعمل خودشان ندارند و باین جهت اسلحه دولت را بر میدارند میبرند و همین طور بواسطه قرار از جنگ تمام قشون شکست میدهند و آنوقت هیچ نوع ضمانتی هم در آتی بهر آن نمیکنند در صورتیکه در موقع های دیگر می بینیم سربرازهای رشید و جوانهای پادار و علاقه مند به عمل خودشان اگر ضروری وارد کنند چون اسباب منافع اقوام و بستگان و ملکشان میشود لهذا برای خدمت دولت و ملت بطور خوبی حاضر میشوند پس از این نقطه نظر خوب است تردید نفرمایند و این اختیار را از وزارت جنگ سلب نکنند و بگذارند در این قدم اول که قسمی است بطرف قشون گیری بر میگردیم اختیار با وزارت جنگ باشد

معاون وزارت جنگ - یگانه ایرادی که مخالفین این ماده میفرمایند در رد و قبول سربراز است که قبلاً بواسطه بدی اخلاق ممکن است صاحب منصب یک چیزی بگیرد و دیگری وارد بکند یا اینکه یکی را قبول بکند فقط یگانه ایراد در این است این را هم در ضمن تحقیقات عرض کردم که برای ابتکار یک کمیسیون در محل تشکیل میشود که مرکب است از مامور وزارت جنگ و یک نفر از وزارت مالیه یک نفر نماینده حکومت و یک نفر هم ملای محلی در آنجا هست که اگر هم چیزی چیزی باشد آن نماینده محلی ممکن است صدایش بلند شود از همه اینها گذشته در قانون جزای هسگری جزای خیلی سخت برای این کار معین شده در اینصورت هیچ محل اندیشه نیست که این اختیار بوزارت جنگ داده شود مگر اینکه بخواهند یک کسانی را بیاورند که ببرد وزارت جنگ نخورد و باین وسیله پول ملت بدون جهت تلفی شود

حاج شیخ حبیب الله - این الفاظیکه در قانون وضع میشود بیکبار این است که مجرد این الفاظ تصدیق دارد و باید نوشت و یکوقت این است که مقصود از جنس این الفاظ در قانون دارید در این که مینویسد باید مستقیماً از طرف مامورین وزارت جنگ سربراز گرفته شود اما برای این مقاصد بسیار می بینیم یکی از آن مقاصد همین چیزی است که هر یک از ماها که مالکین هستیم و رعیتها هستیم می دانیم که برهیا چه وارد میشود ولی تعیین میشود کدام شخص سربراز میشود اینک آقایان جواب دادند که اگر ما تعیین سربراز را با اختیار اهل محل واگذار کنیم مخالف با مقصود دولت میشود عرض میکنم شما مقصودتانرا معین کنید و بجای این پنج شرطی

که اینجا نوشته اید ده شرط معین کنید میفرمایید تریاکی نباشد معین کنید فرمودید قدش باید یک ذرع و نیم بیشتر باشد پس سربراز شانزده و هفده ساله را چه میفرمایید که قدش یک ذرع و نیم هم نرسیده میفرمایید شاید دزد باشد عرض میکنم آیا مجازاتی در کار هست یا نیست؟ اگر مجازاتی از برای دزد معین نشده آدمی هم بخوبی خوش اخلاق باشد آنهم دزد می شود اگر مجازات باشد آنکسیکه اول دزد باشد از همدخلق میشود بجهت اینکه قانون مجازات هست پس بعد از اینکه مامورین مجازات شدیم دیگر اشکالی نیست و اگر در نظام مامورانی باشد هر کس که از او شریر تر نباشد اصلح حق میشود فرمودند تا تشکیل کمیسیون میدهم که پنج شش نفر باشند عرض میکنم حسن اخلاق چیزی نیست که بمجرد اینکه مامور دولت رفت بکویند فلان کس را بگیرد که خوبست و نجیب است اینها نیست ممکن است همان کسی را که دارای شرایط و اوصافی است که مامور دولت میبستند رعیت معین میکنند بنده از آنکه دارای آن شرایط باشد و نقیصه در او نباشد دیگر چه عفو باقی میماند این سربرازیکه ما میدهم یک بار این است که سربراز داوطلب است و یکبار همین طور که در قانون معین شده است سربرازی اجباری خصوصی است پس اگر اینطور است دولت معین میکند که چه قسم سربراز باید داده شود مامور از روی اجبار خصوصی آن سربراز را میدهم بعضی آقایان فرمودند لااگر با اختیار شما واگذار کنیم میروید یک سربرازی که زارع است معین میکنید مگر دولت میخواهد زراعت کند که باید سربراز زارع باشد ما بزرگوارش چکار داریم دولت کسی را میخواهد که مرد میدان باشد معیوب نباشد کامل الخلقه و کامل الصفات باشد میفرمایند میترسیم فرار کند؟ اگر بنا بشود اهل محل ضمانت کنند دیگر از ضمانت اهل محل چه بهتر است؟ ما فرض میکنیم آن سربراز مرد یکی دیگر را معین میکنیم پس اگر هیچ قرنی بین نظر ما و نظر نماینده دولت نیست اختیار سربراز را با اهل محل واگذارند اهل محل خودشان میآیند و سربراز را که دولت میبستند معین میکنند هیچ قدری باقی نخواهد ماند ولی این برای ما نتیجه کد دارد این است که رعیت از آن چیز هائیکه مانع از اشرار شدیم ما دیده ایم آسوده میشود فرمودند سربراز ترشیز را چون اهل محل خودشان معین میکنند از این جهت آدمهای بیخودی هستند اول اینکه خودشان هم میدانند که سربراز را مامور دولت میگیرد علاوه شجاعتها که آنها بخرج داده اند هیچ سربرازی بخرج نداده است آقای سردار سید حاضرند از ایشان سؤال میکنم که محمد علی گون آبادی را کی کشت جنگالی که در مشهد واقع شد کی کرد؟ الحمدلله رب العالمین مانع اشرار شدیم ما جلو گیری کردیم و الا باقی دیگر فرار میکردند علی ای حال جلو گیری از دشمن بواسطه ملک و خانه داشتن نباشد لهذا باید آدم صحیح المزاج کامه الخلقه کامل الصفات معین شود

مخبر - بنده اینجا یک نقطه نظر را ملتفت شدم گفتگو در گرفتن سربراز از معملای خوردن مالک نیست بجهت اینکه آنها یک تکلیف علیحده دارند یعنی خوردن مالکین بیشتر صاحب منصب و آن جمعیتی که برای گرفتن سربراز مأمور میشوند حاضر میشوند سربراز خودشانرا معین میکنند و میدهند اینهمه حملات

که مردم آسایش داشته باشند و در همین اول قدم خواهیم ماند

حاج شیخ محمد حسن گروسی - در این ماده نوشته شد است (تعیین افراد قشونی هر محلی مطابق بنبیجه از اشخاص با مدار یا دار یا با ضمانت اهل محل مراعات شرایط ماده (۵) مستقیماً از طرف اهل محل معین میشود (پیشنهاد مدرس) پیشنهاد میکنم ماده را برین باشد تعیین افراد قشونی هر محلی مطابق بنبیجه از اشخاص با مدار یا با ضمانت مالک با مراعات شرایط ماده (۵) از طرف صاحبان بنبیجه بعمل خواهد آمد (پیشنهاد میرزا محمد علیخان) بنده پیشنهاد میکنم ماده هم این طور نوشته شود

تعیین افراد قشونی هر محلی مطابق بنیچه با مراعات شرایط ماده (۵) بوسله پیشنهاد و معرفی اهالی سرپا زدهنده و با انتخاب هیئتی از مأمورین وزارت جنگ و اشخاصیکه بتوسط دولت از محل تعیین شده باشند بعمل آمده در صورتیکه همه اشخاص معرفی شده که دارای شرایط لازمه باشند اضافه بر ماخذ بنیچه محل گردد عدله لازم باقره معین میشود (پیشنهاد حاج شیخ اسدالله) بنده پیشنهاد میکنم ماده (۹) این قسم نوشته شود.

تعیین افراد قشونی هر محلی مطابق بنیچه از اشخاص پادار با ضمانت مالک با مراعات شرایط ماه ۵ از طرف صاحبان بنیچه بعمل خواهد آمد (پیشنهاد نظام السلطان) بنده پیشنهاد میکنم که سر باز گیری بتوسط هیئتی که از مأمور حکومت محل و مأمورین قشون و مالک سر باز یه بعمل آید (پیشنهاد حاج عز الممالک) بنده پیشنهاد میکنم چنین نوشته شود ماده ۹ - تعیین افراد قشونی هر محلی مطابق بنیچه با مراعات شرایط ماده ۵ از طرف مأمورین سر باز گیری بعمل آمده در صورتیکه افراد بنیچه دارای شرایط سر باز شدن باشند باید حتما داخل خدمت سر بازی شده اگر اشخاصی دارای شرایط مزبور اضافه بر ماخذ بنیچه محل باشند لازم باقره معین میشود چنانچه عدله کافی موافق شرایط سر بازی در نتیجه نباشد مالک میتواند ضمانت نموده از اشخاص دیگر این نقصان را تامین کند.

رئیس پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله و آقای حاج شیخ حبیب الله و آقای آقا سید فاضل و آقای مدرس تقریر میکنند برای این چهار پیشنهاد بکری میگیریم توضیحش را بفرمائید.

مدرس - گمان میکنم بعد از این مذاکرات لازم بتوضیح نباشد غرض ما این است که در این اول قدمی که انشاء الله الرحمن میخوامیم بقشون گیری موفق شویم حتمی شود که اسباب زحمت برای مردم نباشد و با این تجربیاتی که سابق کرده ایم گمان میکنم باین زودی این اخلاق از میان ما بر طرف نشود و اگر اختیار را بدست مأمورین بدهیم اسباب زحمت و صدمه خواهد شد ولیکن بعد از اینکه در قانون شرایطی ذکر کردند ولو اینکه چندین شرط دیگر هم بکنند آنوقت صاحبان بنیچه دارنده آن شرایط را بپای مأمورین وزارت جنگ تسلیم میکنند و اگر مأمورین وزارت جنگ دیدند دارای شرایط هست قبول میکنند و اگر دیدند دارای شرایط نیست رد میکنند و کسی را که دارای شرایط باشد میخوانند این پیشنهاد ها باین نقطه نظر شده است حالا دیگر آقایان مختارند

رئیس آقای مغرب کدام يك از این پیشنهاد ها را قبول دارید ؟

مغرب - پیشنهاد آقا میرزا محمد علی خان را قبول دارم .

رئیس - مابقی را رأی بگیریم ؟

مغرب - بلی .

رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای مدرس و آقا سید فاضل و حاج شیخ حبیب الله و حاج شیخ اسدالله

چون تقریباً بیکدم است آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

(عده غلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - آقای نظام السلطان پیشنهاد جناب عالی رای بگیریم .

رئیس - توضیحی دارید بفرمائید .

نظام السلطان - در اول این قانون نوشته شده است که سر باز گیری بطرز بنیچه است با این نظری که آقایان دارند اگر بدهد مالک را کنار شود و اختیار بمالك تنها داده شود شاید این طرز از میان برود بهین جهت این پیشنهاد را کردم که مأمور وزارت جنگ با اطلاع مأمور حکومت محل و مالک سر باز یه این ترتیب را اجرا کند و گمان میکنم اگر با اطلاع این سه نفر بشود دیگر اختلافی پیدا نشود.

رئیس - فرائث میشود دو قابل توجه بودند رای میگیریم .

مجدداً قرائت شد

رئیس - آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

(عده غلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - آقای حاج عز الممالک توضیحی دارید ؟

حاج عز الممالک - پیشنهاد های مختلفی در موضوع این ماده شده که البته بنظر هر يك از پیشنهاد کنندگان جامع بود ولی بنظر بنده این پیشنهادی که شده است (حالا قابل توجه بشود یا نشود) اطراف کار در آن ملاحظه شده است بجهت اینکه ما در ماده اول ذکر کرده ایم و در حقیقت این قانون برای این وضع میشود که سر باز روی بنیچه گرفته شود یعنی اجبار عمومی را فعلا متروک میکنیم و يك اجباری خصوصی را قائل میشویم اگر این اصل را در نظر بگیریم تا بیکسره بایستی در موارد دیگر این لفظ اجباری را منظور کنیم و الا اصلاً باید بگوئیم هم بنظر هر يك پیشنهاد شد مالک سر باز را بیاورد و آن سر باز را بگیرد و حال آنکه این ترتیب بر خلاف این لایحه و بر خلاف آن ماده است که قبلاً ذکر شده است (یعنی اجباری خصوصی) مقصود از این لایحه و این قانون جلوگیری از آن معایبی است که ذکر فرمودند منتها هر کس بیک ترتیبی اظهار کرد بعضی از آقایان فکر کردند که مالک پیشنهاد کند و از مابین آنها مأمور دولت هر کسی را برای سر بازی شایسته میدانند انتخاب کند کمیسیون پیشنهادی کرده است که مأمور دولت هر کس را بزی سر بازی پسندیده انتخاب خواهد کرد این دو نظر بود ولی عده معایبی که شمرده میشد مساوی اخلاقی بود که بنده حالا نمیخواهم بگیرم مأمورین ممکن است از اختیارات و حدود خودشان تجاوز کنند و بعضی استفاده ها بکنند بنظر بنده در هر دو این پیشنهاد ها این نظر استفاده وارد است پس چه مالک بپای مأمور پیشنهاد کند و چه مأمور دولت بمیل خودش بگیرد در هر دو این اشکال وارد است و همان طوریکه آقای سردار معظم توضیح دادند اگر مالک چند نفر را پیشنهاد کرده و مأمور دولت حقیقتاً يك نظر خصوصی داشت رد میکنند و بعضی معایب برای او

ذکر میکنند و بالاخره با او را رضی میکنند یا آن کسی را که او میخواهد باو میدهند در این صورت چه مأمور دولت خودش مستقیماً برود یا بیکر انجام بدهد چه مالک پیشنهاد کند در هر دو نظر و آن اشکال وارد پس اگر مافائل شده ایم که نشون گیری بطرز بنیچه و اجباری خصوصی باشد باید قائل شویم که اگر در نتیجه يك کسی دارای شرایط سر بازی بود خود آن شخص مکلف است سر باز شود و اگر قائل شویم که دیگری ممکن است بجای او بیاید هر طرد باشد اسباب زحمت میشود چه مالک پیشنهاد کند چه مأمور دولت بخواند بگیرد هر دو شق غلط است پس یا اساساً نباید قید کنیم که اگر آن بنیچه کسی را داشت که دارای شرایط سر بازی باشد آن آدم مجبور است بیاید سر باز شود آن وقت آن آدم خواهد بود و ما هم مطمئن خواهیم شد که صلح و معانی که باو سریده می شود تقریباً نشود مأمور دولت هم نمی تواند بمیل و اراده خودش سر باز بگیرد و مالک هم نمی تواند يك آدم بی بی و بی مصرف را بپای مأمور دولت معرفی کند و تمام این معایب رفع خواهد شد پس در صورتیکه قائل شویم که در بنیچه هر آدمی که قابل سر بازی است یعنی دارای شرایط سر بازی است همان آدم سر باز شود همین معنی اجباری خصوصی است یعنی اجباری خصوصی محدود به بنیچه و در این صورت دوش دیگر متصور میشود یکی اینکه عده زیادتر باشد و یکی اینکه کمتر باشد حالا در صورتیکه زیادتر باشد در این لایحه اینطور پیشنهاد شده است بنده هم هم بنظر پیشنهاد کرده ام که در بنیچه که در نظر داریم شرایط سر بازی داشته باشد و هشت نفر لازم بود آن ۸ نفر بقره معین شود یعنی نه حق را ببالک بدهند و نه بپای دولت که اسناد بکنند قره بکنند هر چند نفری که بیرون آمدن آن عده را انتخاب میکنند و اگر کمتر شده بقیه بنده می توان آنرا بنظر مالک گذاشت که مالک با ضمانت خودش بیک نفری را که در آن بنیچه است از آن حوزه معوضه خودش بیآورد و پیشنهاد کند اساس پیشنهاد بنده این است اگر حالا اختلافی در طرز نوشتن آن باشد با عیبی داشته باشد ممکن است کمیسیون اصلاح کند ولی بقیه بنده اساس این لایحه اگر روی این رویه و این ترتیب باشد یعنی (اجباری خصوصی) بکنی این قانون لغو است .

رئیس - پیشنهاد آقای حاج عز الممالک مجدداً قرائت میشود رای میگیریم .

معاون وزارت جنگ - پیشنهاد آقای میرزا محمد علی خان و آقای حاج عز الممالک را بکمیسیون رجوع بفرمائید .

رئیس - این در صورتی است که مغرب نقاضا کند .

مغرب - بنده هم تقاضا میکنم .

رئیس - بسیار خوب ارجاع بکمیسیون میشود اگر آقایان موافق باشند مذاکرات را در اینجا ختم کنیم بقیه مذاکره میباید برای روز هفتشنبه - آقای سردار سمید از آقای وزیر امور خارجه و آقای منتصر السلطان از وزارت عدلیه رجوع بامر ممتاز السلطنة و لسان الدوله استوالی داشتند برای جواب استوال حاضر شده اند .

سردار سمید - دره شنبه ۲۶ رجب آقای معاون وزارت عدلیه در جواب استوال یکی از نمایندگان

در موضوع لسان الدوله و ممتاز السلطنة يك جوابی دادند که بنده بعضی چیزها را از نطق ایشان در اینجا نوت کرده ام بکنکه این است که عرض میکنم در ضمن نطق خودشان فرمودند که همچو معلوم شده است که در جزو اشخاص دیگری که با لسان الدوله شرکت داشته اند و معامله میکنند آن آقای مختار السلطنة هم ذخیل بوده است و بواسطه مدارکی که بدست آمده عقیده مدعی العموم این شده است (باز در يك جای دیگر نطقشان فرمودند (اضافه گوید در ضمن نوشتجات و ثبت دفاتر لسان الدوله متوان شرکتی هم نسبت باین نوع معاملات با ممتاز السلطنة بوده است) بنده هر چه انتظار کشیدم که بعد از آنروز آقای وزیر امور خارجه یکی از این دو کار را بکنند یعنی یا ممتاز السلطنة را با این نطق صریح معاون وزارت عدلیه از خدمت خودش منصرف کند و بجای که بکشند با اینکه این مسئله را با مدارک صریحه تکذیب بکنند مدعی است که از آن روز میگذرد نه آن صورت اولیه را پیدا کرده است و نه تکذیبی کرده اند و تصور میکنم این ترتیب صحیح نباشد یعنی نه از برای حفظ مقامات دولت و نه از برای حفظ مأمورین و نمایندگان وزارت خارجه که در هر جای دنیا نماینده شخص سلطنت و پادشاه هستند بنده خواستم بدانم در این موضوع آقای وزیر امور خارجه چه اقدامی فرموده اند و آیا این مذاکراتی که در اینجا شده است تصدیق میفرمایند یا تکذیب خواهند فرمود ؟ خواهش میکنم اقدامات و نظریات خودشان را بفرمائید .

وزیر امور خارجه - از این ملاحظاتی که آقای سردار سمید نسبت باضاه و دولت و مأمورین دولت در خارجه فرمودند بنده خیلی اظهار امتنان میکنم صحیح است در آن موقعیکه این اظهار از طرف معاون وزارت عدلیه در مجلس شد وزارت خارجه یکی از دو کار را باید بکنند ولی ممتاز السلطنة از طهران غایب بود و با اینکه وزارت امور خارجه تا اندازه از سابقه کار اطلاع داشت و بر ائث ذمه ممتاز السلطنة را میدانست ولی چون مسئله در وزارت عدلیه يك شکل استنطاق پیدا کرده بود نتوانست بدون اینکه از او يك سوالی با تحقیقی کرده باشد اظهاری در مجلس کرده با اقدامی در این باب ندوده باشد با توسطه بعد از اینکه این مذاکرات در وزارت عدلیه ظاهر شد و وزارت خارجه نوشته شد بطوریکه عرض کردم و تکرار میکنم در وزارت خارجه سابقه این مسئله (یعنی مسئله دو جلد کتابی که بپاریس فرستاده بودند) بود و خود ممتاز السلطنة هم در این باب توضیحاتی به وزارت خارجه فرستاده بود و معلوم بود که به چوچه من الوجوه در اینکار مداخله نداشته حتی اینکه از فروش آنها ممانعت و جلوگیری هم کرده بود، است ولی شاید از نوشتجات لسان الدوله يك اسباب شبهه از برای اولیای امور استنطاق در وزارت عدلیه حاصل شده بود بنابر این وزارت خارجه چیزی نوشته بودند و وزارت خارجه هم همانوقت جوابی داده بود ولی برای اینکه حقیقه مطمئن شود که این مسئله اساس صحیحی ندارد و شاید خود مختار السلطنة جوابهای کافی تری داشته باشد نتوانست قبل از وقت در مجلس تکذیب این مسئله را کرده باشم این بود که از مختار السلطنة توضیحات

و اسنادی که در جواب این مسئله دارند خواسته شد و نوشتجاتی فرستاد وزارت خارجه هم آن نوشتجات را بر حسب تکلیفی که داشت بوزارت عدلیه مراجعه داد که در آنها کاملاً مراجعه و رسیدگی نمایند و از تیرته ذمه بکنند مأمور رسمی دولت مستحضر شوند وزارت عدلیه هم در این باب دقتی فرمودند و رسیدگی کردند و در آن اسناد مذاقه بعمل آوردند و بعد از آن صورت راپورت اولیای استنطاق و مدعی العموم را بوزارت خارجه فرستادند که صریحاً مدعی العموم تصدیق کرده بود که ملاحظه آن اسناد بر تیرته ذمه ممتاز السلطنة دلیل کافی است و وزارت امور خارجه امروز با کمال مسرت میتواند عرض کند که مأمور خودش در خارجه بکلی از این مسئله برآ است و این اتفاقات شاید از سوء تفاهم یا عجله در کار بوده است واقع شده است والا بر ممتاز السلطنة چیزی در این باب وارد نیست .

سردار سمید - بنده خیلی تشکر میکنم از شخص وزیر امور خارجه که در مسائل مهمه دقت خودشان را کرده و باینک صافی و با یکی اظهارات خودشان را از روی حقیقت اینجا میفرمایند چیزی که باقی دارد این است که آقای معاون وزارت عدلیه هم که اینجا تشریف دارند ایشانهم اطلاعات خودشان را بفرمایند که آقای ممتاز السلطنة يك شده اند یا خیر ؟

رئیس - سؤال کننده از ایشان آقای منتصر - نمیتوانند جواب بدهند .

سردار معظم - ممکن است کسی دیگر این سؤال را قبول کند .

رئیس - هر کس قبول میکند سؤال کند .

سردار معظم - بنده قبول میکنم .

رئیس - پس سؤال بفرمائید تا جواب بگویند سردار معظم - بنده از ایشان استوال میفرمایم که در چند جلسه قبل در اینجا تشریف آوردند سؤال شد و اظهاراتی کردند و چون هنوز درست نتیجه حاصل نشده بود آقای سردار سمید از آقای وزیر امور خارجه سؤال نمودند و جواب خودشان را شنیدند بنده هم از آقای معاون وزارت عدلیه استوال می کنم که در این موضوع اطلاعات وزارت عدلیه چیست ؟

معاون وزارت عدلیه - همان طوریکه آقای نماینده بجنورد از وزیر امور خارجه سؤال کردند در جلسه ۲۶ ماه رجب که روزنامه رسمی آنها حاضر است جوابهایی در مقابل استوالی که از وزارت عدلیه شده بود دادم جوابهای بنده متکی بود بیک راپورتی که باره که ابتدائی بوزارت عدلیه رسیده بود و بجز این افزوده بود یعنی بر طبق تکلیف بوزارت امور خارجه فرستاده شده بود پس از آن چندی گذشت که آقای مختار السلطنة بعضی اسناد فرستادند که ما خود از نوشتجات و مکاتباتی بود که ما بین ایشان و لسان الدوله رد و بدل شده بود آن اسناد و نوشتجات را از وزارت عدلیه هم در آنها چنانچه وزیر امور خارجه فرمودند مذاقه بعمل آوردند یعنی آن اسناد مدعی العموم و مستنطق رجوع شد چون آنها را جوابگوی مدارک اولیه که مشاهده شد آنها نسبت بمختار السلطنة شده بود یافتند از طرف مدعی العموم و مستنطق راپورت مجددی از کمیسیون بودجه مجلس گذشته است و بوزارت عدلیه فرستاده شد که سود هر دو راپورتها

یعنی آن راپورت اولی که مبتای جواب اول بنده است و راپورت ثانوی که مبتای جواب حالبه بنده است حاضر است در این راپورت ثانوی برای مدعی العموم و مستنطق این شده است که پس از ملاحظه اوراق دفاعیه مختار السلطنة تحقیقات در این امر را کسانی میدانند و اسناد مرسوله را جوابگوی مدارک اولیه که از نوشتجات لسان الدوله دیده بودند و مشاهده آنها شده بود تصور کردند پس از نقطه نظر پارک ابتدائی که البته نقطه نظر وزارت عدلیه هم تابع آن نقطه نظر خواهد بود این امر دیگر قابل تعقیب نیست

سردار معظم - بنده میخوام عرض کنم جوابی که آقای معاون وزارت عدلیه دادند راپورت مدعی العموم و مستنطق بوده است و ایشان در واقع واسطه بوده اند برای اظهار رأی مدعی العموم و حالا که رأی مدعی العموم و مستنطق بواسطه اسنادی که ارائه شده است تغییر کرده و بر ائث ذمه ممتاز السلطنة حاصل میشود بنده هم قانع میشوم

رئیس - آقای حاج عز الممالک هم راجع به تشریح بطرز بورغ استوالی داشتند آن را هم جواب میفرمایند ؟

وزیر امور خارجه - جواب او را بعد عرض خواهم کرد

حاج شیخ اسدالله - البته آقایان نمایندگان کاملاً میدانند که یکی از وظایف متضمه مجلس تصدیق عمل بوده است اگر از ابتدای تشکیل مجلس (یعنی دوره نالت تقنینه) دولت بوجه خودش را بپه مجلس شورای ملی تقدیم کرده بوده و مجلس بودجه ملکنتی را اصلاح کرده بود تصور میکنم دولت امروز به این اندازه محتاج و باین بی پولی نبود در ابتدای مجلس جمعی از نمایندگان با يك حرارت فوق العاده راجع باین مطلب يك فرمایشاتی میفرمودند و تا بحال دو سه هیئت دولت تغییر کرده است و همین قسم بدفع الوقت گذشته و بودجه ملکنتی بمجلس نیامده است تا اینکه چندی قبل از طرف مجلس يك کمیسیونی انتخاب شد که در وزارت خانه ها رفته و بودجه وزارتخانه ها را بهر وسیله که می توانند از وزارت مالیه گرفته بمجلس بیاورند تا اینکه مجلس از این جنب و میسل هائیکه در مالیه مملکت میشود جلوگیری بکنند نمایند آن کمیسیون تا بحال چه کرده است و عملیاتش خودش را بکجا رسانیده است از مغرب آن کمیسیون استند ما میکنم اقدامات و عملیات خودشان را و نتیجه هائیکه گرفته اند بمجلس شورای ملی اظهار نمایند

حاج عز الممالک - از بدو تشکیل کمیسیون بودجه کمیسیون در نظر گرفت که بدو با وزیر مالیه در خصوص تهیه بودجه ها مذاکراتی بکنند در یکی دو جلسه هم وزیر مالیه تشریف آوردند و مذاکراتی شد اگر ایشان اشکالاتی از برای تهیه بودجه ها اظهار می داشتند ولی کمیسیون قانع نشد و تصریح بودجه ها را مطابق رأی مجلس از وزیر مالیه خواست بودجه هائیکه قبل از تشکیل این کمیسیون بمجلس تقدیم شده است و در کمیسیون بودجه مجلس است البته نظر آقایان مسبوق است بودجه عدلیه است که از کمیسیون بودجه مجلس گذشته است و بوزارت

معرف است که تقریباً قریب با تمام است که دوسه فقره کوچک او باقی است و بودجه وزارت خارجه است که شروع بنادگره آن در کمیسیون بودجه شده است و یکی هم بودجه وزارت فوائد عامه است که مجلس آمده است و هنوز طبق توضیح نشده است و یکی هم بودجه فرستاده نشده است وزیر مالیه اظهار کردند که بودجه وزارت جنگ و پست و تلگراف هم حاضر است و مجلس تقدیم خواهد شد بدینام خدمت آقای رئیس تقدیم شده است یاخیر؟ ولی همه نظر کدر واقع اساس بودجه ها است بودجه وزارت مالیه و بودجه وزارت داخله است که تا بحال باقی مانده و بواسطه این بوده است که وزیر مالیه اشکالاتی نسبت به بودجه وزارت مالیه در نظر داشتند و عقیده شان این بود که باید دقت شود و بعد از مذاکره فرستاده شود مخصوصاً بملاحظه تشکیلات مالیه که میخواهند شروع نمایند اشکالات خودشان را اظهار مینمودند معیناً کمیسیون قانع نشد و فردا هم جلسه تشکیل خواهد شد و در جلسه فردا مذاکره در آن خصوص هم ختم شود که زودتر بودجه وزارت مالیه را پیشنهاد مجلس کنند نسبت به بودجه وزارت داخله هم اگرچه در مجلس موافق پیشنهاد خود بنده رای داده شد که کمیسیون حق داشته باشد در وزارتخانه ها برای تهیه بودجه حاضر شود ولی کمیسیون سمی میکرد در اینکه رفتن بوزارتخانه را حتی الامکان موقوف کند و خود مجلس این کار پیش برود ولی امروز از ناچاری اعضاء کمیسیون خدمت رئیس الوزرا رفتند و در خصوص بودجه وزارت داخله مضافاً مذاکره شد و بعد از مذاکره معلوم شد که بودجه وزارت داخله هم تهیه شده است ولی چون آقای رئیس الوزرا سمت وزارت داخله را دارند قرار شده است خودشان هم در آن بودجه يك مذاکره بفرمایند بنا براین بودجه وزارت داخله را از معارف خودشان گرفته اند که هرچه زودتر نظریات خودشان را بفرمایند و بفرستند و گمان میکنم با این عملیاتی که شروع شده است بودجه این دو وزارتخانه هم پس از چند روزی بمجلس بیاید فرضاً هم موافق پیش نیاید کمیسیون حاضر است و رایورت آنرا تقدیم مجلس خواهد کرد.

جلسه ۷۳ صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه چهارم شهر ذیحجه ۱۳۲۷

مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت مجلس روز سه شنبه دوم قرائت شد. غائبین با اجازه - آقایان شریعتمدار - حاج عزالمالک - نظام السلطان - آقا شیخ رضادعوی اوقاتی نجفی میرزا - صدرالملک - غائبین بدون اجازه - آقایان ملک الشمره محمد هاشم میرزا - سردار معتمد.

رئیس - در صورت مجلس آقایان ملاحظاتی دارند بنام غیر (ملاحظاتی نبود) ایرادی نیست صورت مجلس تصویب شد - بگفته آقای وزیر مالیه راجع باسامی یازده نفر که مطابق قانون تشکیلات مالیه باید از آن هده پنج نفر برای عضویت کمیسیون تطبیق حوائج انتخاب شود فرستاده اند لایحه مزبور طبق توضیح شده است اگر موافقتی باشد برای جلسه آتی جزو دستور گذارده شود (گفتند صحیح است) دستور امروز بقیه شور اول قانون قشون کمر بست از ماده دهم.

(ماده دهم بقرار ذیل قرائت شد) ماده دهم - در صورت خرابی و عدم استعداد بعضی از محلهای قشون شده که خرابی و عدم استعداد آنرا وزارت مالیه نیز تصدیق نموده باشد وزارت جنگ میتواند محل مزبور را از دادن کلیه یا قسمتی از عده بنبیجه معاف نموده از محلهای مربوط همان حوزه که استعداد داشته باشد عوض بگیرد

حاج شیخ اسدالله - همچنانکه در معافیت نظر وزارت مالیه را در این امر دخالت داده اند و صحیح هم هست و باید وزارت مالیه نظرش در این امر دخالت داشته باشد همچنین ایقت آنجلس هائیرا هم که میخواهند بر آنها تعین بکنند باید وزارت مالیه تصدیق کند و در آن نظر داشته باشد و در صورتیکه از ایقت واستعداد محل نسبت با استعداد مالیات یا بنیجه آن وزارت مالیه بهتر است وقت هیچ سزوار نیست نظر وزارت مالیه را در این مورد سلب کنیم و بکلی اختیار را بوزارت جنگ واگذار کنیم

سردار سعید مخبر - چنانچه بکلی دو مرتبه در اینجا توضیح داده شد نظر وزارت مالیه را که ما در سرباز گیری دخالت داریم بملاحظه این بود که سرباز بنیجه از روی مبلغ معین مالیاتی گرفته میشود و بنده هم نمیدانم در این جمله که نوشته شده است (و عدم استعداد آنرا وزارت مالیه نیز تصدیق نموده باشد) و جمله اخیر هم عطف براین جمله است از کجا معلوم میشود که وزارت مالیه حق ندارد در گرفتن سرباز دخالت داشته باشد این ماده این مطلب را رد کرده.

آقا سید فاضل - بنده از این تفکیک خیلی تعجب دارم کدر این ماده نظر وزارت مالیه در باب معافیت ملحوظ شده است ولی دو باب تعین بر جاهائیکه استعداد دادن سرباز را دارند ابتدائاً این مسئله مراعات نشده است و این تعین را فقط بنظر وزارت جنگ موقوف کرده است بنده جداً عرض میکنم باید هم در معافیت هم در تعین بر جاهائیکه استعداد بنیجه

سربازی دارند نظر وزارت مالیه ملحوظ شود. **مخبر** - در ابتداء هیچ معجزه چیزی نیست یعنی نظر وزارت مالیه را در گرفتن سرباز سلب نکرده است عرض کردم این جمله عطف بآن جمله اولی است یعنی وزارت جنگ می تواند بعضی محلهای را از دادن سرباز بانظر وزارت مالیه معاف کند و همین طور بر بعضی محلهای تعین کند و بانظر وزارت مالیه سرباز بگیرد.

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور می کنم خود آقای مخبر تصدیق داشته باشند که نظر وزارت مالیه در اینجا هم باید ملحوظ شود پس بنا بر این بنده عقیده ام این است که ماده بگفتی واضح تر نوشته شود تا رفع اشکال شود و یک پیشنهاد هم بنده میکنم که باین ماده ملحق شود که باید محلی که سرباز بان تعین میشود و استعداد آنرا وزارت مالیه تصدیق کرده باشد آنوقت مطلب خیلی واضح تر و روشن شده و رفع اشکال میشود.

سردار معظم - بنده در اینجا يك اشتباهی می شود و نظر وزارت مالیه در سرباز گیری هیچ مداخلت ندارد و نباید مداخلت داشته باشد مثلاً فرض بفرمایید اگر ما بخواهیم تعین يك مالیاتی بکنیم آیا بانظر وزارت فوائد عامه یا وزارت عدلیه مراجعه میکنیم خیر همچو کاری نمیکیم پس معلوم است که وزارت جنگ هم مثل سایر وزارت خانه ها باید خودش در سرباز گیری يك اختیاری داشته باشد منتی در کمیسیون ما بین معافیت و بر قراری سرباز فرق گذاشته شد زیرا آن وقتی که در بر قراری سرباز میشود شاید در معافیت آن نشود و بعبارت دیگر ممکن است يك جهات خصوصی يك محلی را زودتر از دادن سرباز معاف کند باینجهت قسمت معافیت از برقرار کردن مشکل تر شده است زیرا ممکن بود فقط بوسیله يك مأموری عدم استطاعت محل را تحقیق بکنند آنوقت وزارت جنگ آن محل را از دادن سرباز معاف بدارد در صورتیکه شاید تمام نظر آن مأمور معطوف بعدم استطاعت محل نبود بنا براین نظر وزارت مالیه را در اینجا ملحوظ داشتیم که وزارت مالیه هم از نقطه نظر مالیاتی هم از نقطه نظر افرادی که راجع بر سرباز گیری میشود تقبیل بکنند و تصدیق خرابی آنجلس را بنماید پس در معافیت البته خیلی لازم و مقتضی است که هر دو وزارتخانه تقبیل بکنند و اطلاعات یکدیگر را تکمیل بکنند ولی آن اشکالیکه در معافیت هست در بر قراری نیست تا بگوئیم در این حق مشروع وزارت جنگ باید نظر شریک دیگر را هم که وزارت مالیه باشد ملحوظ بداریم.

رئیس - مذاکرات در ابتداء کفایت پیشنهادی کردار بدعید تارای بگیریم (پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله) (بمضمون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده (۱۰) این نوع اصلاح شود: و نیز استعداد آنجلس را وزارت مالیه تصدیق کرده باشد عوض بگیرد

مخبر - این پیشنهاد را قبول میکنم بکمیسیون ارجاع بفرمایند **رئیس** - ارجاع میشود بکمیسیون ماده یازدهم

قراآت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد) ماده یازدهم - بهر يك از نهرات و دستجاتی قشونی مطابق مزایایکه در بودجه وزارت جنگ تصویب خواهد شد حقوق محلی داده میشود

رئیس - در این ماده مخالفی هست (اظهاری نشد و ماده (۱۲) بقرار ذیل خوانده شد) ماده ۱۲ - حقوق محلی افواج و دستجاتیکه حاضر خدمت هستند برای مدتی که تحت سلاح میباشد از حقوق ایام خدمت آنها کسر خواهد شد

رئیس - در این ماده مخالفی نیست ماده (۱۳) خوانده میشود (بمضمون ذیل خوانده شد) ماده ۱۳ - افراد قشون اعم از حاضر و مرخصی خانه از مالیات سرتانه معاف و عوارض از اسب سوار نظام مطالبه نخواهد شد (مخالفتی نشد و ماده (۱۴) بتفضیل ذیل خوانده شد) ماده ۱۴ - خانواری مستتری یا تخفیف محلی را موافق معمول سابق مالکین در عایا و ایالات مطابق دستور وزارت جنگ با آحاد و افراد قشون تأدیبه خواهند کرد

حاج شیخ اسدالله - ابتداء محتاج بيك توضیحی است (یعنی باید آقای مخبر توضیح بدهند) چون در سابق معمول این بود که صاحبان بنیجه در محل نمیتوان خانواری که در واقع يك نان خانه بود که سرباز میدادند و در هر محلی هم این خانواری باختلاف تأدیبه میشد بعضی محلهای جنس آنها و بعضی محلهای نقد آنها و بعضی محلهای هم جنس سرباز داده میشد و آنهم مستقیماً بدون دخالت صاحب منصب خود سرباز منصفی وصول آن وجه بود در بعضی محلهای هم صاحب منصبها تجاوری میکردند خود آنها خانوار را از مالکین و ارباب بنیجه میکردند و سرباز و نان باین میرسانیدند و در بین این عملیات بعضی اجحافات و تعدیات سرباز میکردند ولی اساسش براین بود که خود سرباز مستقیماً این نان خانه را از صاحبان بنیجه دریافت میکردند حالا اگر مقصودشان این است که بهمان ترتیب سابق و بهمان اختلاف باقی باشد دیگر وزارت جنگ چه چیز را می خواهد معین بکنند که در اینجا را ادا میکنند و هیچ رجوع بصاحب منصب نمی شود و اگر بنا باشد بتوسط صاحب منصب این وجه گرفته شود و سرباز داده شود بنده تصور میکنم يك اسباب زحمتی هم برای سرباز و هم برای صاحبان بنیجه خواهد شد باید خود سرباز از بابت نان خانه مستقیماً با صاحب بنیجه طرف باشد و صاحب بنیجه که باید بگفته معنی جنس یا يك میلی معین تقدیم سرباز بدهد اگر در سر خدمت است بخانه او میدهد و رسید میکند و اگر در سر خدمت نیست و مرخصی خانه است خود سرباز مستقیماً رجوع بصاحب بنیجه میکند و خانواری خود را میگرد و قبض رسید میدهد اگر باین ترتیب باشد تا دینار آخر بخود سرباز میرسد اما اگر بخواهیم طبقات صاحب منصبها را در این امر

هم وقت کمیسیون را گرفت نتیجه این شد که امروز دولت نمیتواند ترتیبی که در بنیجه بوده است دست بزند یا يك تغییر صورتی بدهد بجهت اینکه هر محلی بآن مقدار یکسره سرباز خودشان میداده اند عادت کرده اند و سرباز هم قانع بود باین جهت ممکن است يك چندی آن ترتیب را امتداد داد تا وقتی که وزارت جنگ بعضی اطلاعات کامل از بنیجه تعین بکنند آنوقت بکمیسیون یعنی بکمیسیون معین بکنند و در تمام بنیجه ها معمول بدارد که از آنقرار رفتار شود و البته تا قرار دادی نشده است تغییری در بنیجه قدیم داده نخواهد شد اما اینکه بمقرائید مقصود از اینکه نوشته شده است (مطابق دستور وزارت جنگ) چیست عرض میکنم مقصود نویسنده این بود که ممکن است وزارت جنگ در رساندن این خانواری سرباز عقیده داشته باشد بکفر از طرف اداره معاسیات و بکفر از طرف وزارت جنگ غیر از صاحب منصب فوج حاضر باشد و مستتری یا حضور آنها سرباز داده شود یا اینکه بهمان صاحب منصب و اگدا شود که او بگیرد بدهد و اینکه فرمودند صاحب منصب مستتری را بگیرند و سربازها معنی معمول بود وقتی سر حال میشد سرباز قبض مستتری خود را مینوشت و با مضای صاحب منصب و رئیس فوج یا گروهان خودش میرسانید پس از آن آن قبض را صاحب منصب امضاء میکرد و هویت و خدمت آن سرباز را تصدیق مینمود آن قبض را بصاحب بنیجه خودش میداد و مستتریش را از او میگرفت و صاحب منصب کل یا جزء ابتدا دخالت در گرفتن مستتری نمیکردند و حالا هم همین ترتیب خواهد بود.

رئیس - آقای حاج شیخ حبیب الله هم اصلاحی پیشنهاد کرده اند **حاج شیخ اسدالله** - از توضیح آقای مخبر معلوم شد که نظر وزارت جنگ باین است که در امر خانواری دخالت داشته باشد با اطلاع صاحب منصبها از صاحبان بنیجه دریافت و سرباز داده شود بنده هم با این نظر مخالفم زیرا این يك نشان خانه است که صاحب بنیجه سرباز میدهد بنده خودم مبتلای باین درد هستم و صاحب سرباز هستم و سرباز من مستقیم بخود من رجوع میکند و از بابت خانواری قبض مینویسد من میدهم و خانواری او را ادا میکنند و هیچ رجوع بصاحب منصب نمی شود و اگر بنا باشد بتوسط صاحب منصب این وجه گرفته شود و سرباز داده شود بنده تصور میکنم يك اسباب زحمتی هم برای سرباز و هم برای صاحبان بنیجه خواهد شد باید خود سرباز از بابت نان خانه مستقیماً با صاحب بنیجه طرف باشد و صاحب بنیجه که باید بگفته معنی جنس یا يك میلی معین تقدیم سرباز بدهد اگر در سر خدمت است بخانه او میدهد و رسید میکند و اگر در سر خدمت نیست و مرخصی خانه است خود سرباز مستقیماً رجوع بصاحب بنیجه میکند و خانواری خود را میگرد و قبض رسید میدهد اگر باین ترتیب باشد تا دینار آخر بخود سرباز میرسد اما اگر بخواهیم طبقات صاحب منصبها را در این امر

مخبر - در ایران ترتیب مستتری که رهبا سربازشان میداده اند مختلف بوده در بعضی ولایات یکسروار گندم و قران پول و در بعضی ولایات دو سروار الی ۱۵۰ من گندم میدادند مثلاً در آذربایجان جنس معمول نیست نند میدهند در کمیسیون که این مسئله مطرح شد بعد از مذاکرات زیاد که یکی دو روز

دخالت بدهیم ده دست که بگذرد در دست آخری که باید بتأمین برسد شاید آن خانواری نصف شده باشد

مخبر - با آن توضیح که بنده دادم دیگر منتظر نبودم آقا اینطور بفرمایند بنده هم عرض کردم خانواری بانظر وزارت جنگ سرباز خواهد رسید یعنی فقط تصدیق هویت و شخصیت این سرباز را باید وزارت جنگ در حاشیه این قبض رسید او بکنند و خود سرباز از مالک و صاحب بنیجه بگیرد و اگر اینطور نباشد یعنی تصدیق هویت سرباز را مأمور وزارت جنگ با صاحب منصب فوج نکند صاحب بنیجه این مستتری را یکی خواهد پرداخت سرباز خودش را از کجا خواهد شناخت که باو بدهد آن وقت هر روز اسباب زحمت خواهد شد بنده هم گمان میکنم این مسئله هیچ لایق گفتگو و مذاکره نباشد بجهت این که تصدیق سربازی سرباز را صاحب منصب میکند تا صاحب بنیجه بداند مستتری خودش را یکی بپردازد و اگر نه اندام همه وزنه اسباب تشاجر و گفتگو خواهد شد صاحب بنیجه میگوید ببلان آمده ام اهدر صورتیکه رئیس فوج تصدیق هویت و خدمت نکرده است **رئیس** - پیشنهاد آقای حاج شیخ حبیب الله قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۱۴ این قسم نوشته شود: خانواری (مستتری) یا تخفیف محلی را موافق معمول سابق مالکین و رهبا و ایالات مطابق دستور وزارت جنگ با آحاد و افراد قشون مستقیماً تأدیبه خواهند نمود

حاج شیخ حبیب الله - مقصود از این قشون گیری این است که واقماً ما بدانیم قشون داریم چون بکوقت هست که قشون مجرد اسم است و رسم ندارد بیکبار این است که رسم هم دارد چنانچه بر خلاف انتظار در خیلی محلهای سرباز حکم هفا را دارد اسم مست و ولی رسمش نیست حتی اگر از صاحب منصب بپرستند چند نفر سرباز داری يك چیزی میگوید ولی در واقع منظور نیست حالا این کلمه که بنده عرض کرده ام مستقیماً تأدیبه خود) از برای این است که هر محلی سرباز خودش را بداند تا این خانواری که رهیت میدهد هباء منتظر شود مثل اینکه ما از خیلی محلهای اطلاع داریم که مبلغ کلی خانواری از آنها دریافت میشود ولی ابتدا سرباز وجود ندارد این مقدمه را هم میدانم که بعضی امکته را جاها هست که آن خانواری را روسا بگیرند و نصف مینمایند ولی سرباز به بجهت نیست آنوقت میگویند چرا سرباز مفقود است چرا سرباز زده است معین است سربازیکه موجب یا خانواری باو نرسد لایذ از این است که دزد باشد مفقود باشد پس اگر ما بخواهیم سرباز داشیه باشیم باید موجب آنها را مستقیماً بتوسط رهیت آنها برسانیم

رئیس - آقای حاج شیخ حبیب الله توضیح دارند آقای مخبر پیشنهاد ایشان را قبول بفرمایند یا خیر **مخبر** - خیر قبول نخواهم کرد **معاون وزارت جنگ** - از بیانات نماینده محترم کمره که اصرار بفرمایند و احتیاط از معاملات صاحب منصبان یعنی مأمورین وزارت جنگ در

محل میکنند همان احتیاط را هم وزارت جنگ از صاحبان بنیچه میکنند که ما داد بواسطه نفوذیکه میتواند با افراد داشته باشند خانواری سربازان رسانند لهذا این مستوری و خانواری باید با نظردستورالعمل وزارت جنگ در محل سربازان تادیه شود وزارت جنگ وقتیکه معین خواهد کرد کلیه خانوارها برسد دستوارالعمل های دیگر هم در این موضوع خواهد داد چون این خانواری تقفدی نیست که مالکین و اربابان بنیچه سرباز میدهند یک چیزست که جزء تمیلات آنها است یعنی جزء تعقیفی است که با آن محل داده شده است ممکن است فلان مالک با فلان صاحب بنیچه بگوید چون سرباز من مرده است من خانوار را نیدهم اینطور نیست تمام این تمیلات بدولت است و باید بجزانه دوات برسد و اظهار دیگری را هم که نماینده محترم دیگر اظهار کردند وزارت جنگ بکلی رد میکند بجهت اینکه آنچه تا بحال معامله شده و وزارت جنگ مسبوق است این است که از خانواری هرچه سرباز رسیده است رسیده است و آنچه رسیده است بجزانه دولت رسیده است رئیس - چون آقای مغیر قبول نکردند در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای حاج شیخ حبیب الله باید رای بگیریم - آقای سردار معظم راجع باین پیشنهاد فریاضی دارید .

اصلاح جنایاتی را هم بفرمانند .
حاج شیخ اسدالله - غیر مقصود بنده هم همین بود .
رئیس - ماده ۱۵ قرائت میشود .
(بعضون ذیل قرائت شد)
ماده ۱۵ - خرج سفر تابتین در موقع حاضر شدن در سر خدمت که موسوم بمسک خرج است کما فی السابق برعهده مالکین و اهالی محل است باین ترتیب که از محل سکونت تابتین تا مرکز اجتماع فوج یا دسته سوار و تویچی که وزارت جنگ تعیین نمیشد هر منزلی دو قران بتابتین زیاده و تویچی و ۵ قران به سوار تادیه نمایند ولی افواجیکه خانواری ندارند کما فی السابق در موقع حرکت کما که معاونت معمولاً دریافت مینماید .
رئیس - در ماده ۱۶ مخالفی هست یا نیست .
میرزا محمد علیخان نماینده همدان - بنده توضیح میفرمستم که کما که معاونت معمول از چه قرار است .
مخبر - همانطوریکه قبلاً عرض کردم بعضی افواج هستند که هر ساله از بکهر واری دو خروار و از ۲ تومان الی ۵ تومان باسم مستوری و خانواری از صاحبان بنیچه خود میگیرند ولی بعضی افواج هستند که مادامی که در خانه خودشان هستند و سفر رفته اند از آن بنیچه بآنها هیچ داده نمیشود فقط در موقع حرکت بسمت ماوریت ولو بعد از پنج سال هم باشد وقتیکه سرباز میخواستند حرکت کنند یک مبلغ معینی از ۲۰ تومان سی تومان الی ۵۰ تومان به آنها با نام کما که معاونت میدهند که در حقیقت بجای مستوری معموله سایر افواج است کمیسیون در نظر داشت که اگر این مسئله را بطور کلی بنویسد یعنی خرج سفر را دو قران و چهار قران معین کنند ممکن است صاحبان بنیچه آن افواج ازدادن کمک و معاونت معلولی باینکه مستوری سالیانه را هم نمی پردازند اما بکنند باینجهت کمک خرجی است برای خانواده کسیکه سرباز میشود و مدد معاشی است برای کسیکه حاضر شده است و از طرف آنها سرباز میشود این خانوارها میدهند که سرباز یادارن باشد و خاطرش از حیت معاش آسوده باشد پس قهراً یک معامله است که مابین سرباز و اهالی محل میشود حالا اگر آقای معاون این مطلب را در نظر بگیرند انصاف خواهند داد که اهالی محل باید خانوار را بخود سرباز بدهند زیرا این خانوارها برای معاش آنکسی که سرباز است میدهند نه برای صندوق دولت بنده کاملاً موافقم که وزارت جنگ در معرفی سرباز و ترتیبات دیگر مداخله داشته باشد ولی در خوبی این پیشنهاد هم تردید نخواهم کرد و عقیده ام این است که آنچه مردم میدهند باید مستقیماً بخود سرباز برسد والا اگر غیر از این باشد تصور میکنم تا زمان رسیدن سرباز آب شود و سرباز نرسد .

سردار معظم - بنی در همین پیشنهاد عرضی دارم و با این پیشنهاد موافقم بنده هم تصور میکنم پیشنهاد آقای حاج شیخ حبیب الله موافق با همان مقصود است که در نظر بوده است بجهت اینکه توضیحات را هم که آقای مغیر فرمودند فقط مداخله وزارت جنگ را محدود به سفری سرباز فرمودند و مداخله دیگر را قائل نشده و بقیه بنده هم خانواری لازم اش این است که سرباز داده شود بجهت اینکه این یک معامله است که مابین اهالی محل و سرباز میشود خانواری یک کمک خرجی است برای خانواده کسیکه سرباز میشود و مدد معاشی است برای کسیکه حاضر شده است و از طرف آنها سرباز میشود این خانوارها میدهند که سرباز یادارن باشد و خاطرش از حیت معاش آسوده باشد پس قهراً یک معامله است که مابین سرباز و اهالی محل میشود حالا اگر آقای معاون این مطلب را در نظر بگیرند انصاف خواهند داد که اهالی محل باید خانوار را بخود سرباز بدهند زیرا این خانوارها برای معاش آنکسی که سرباز است میدهند نه برای صندوق دولت بنده کاملاً موافقم که وزارت جنگ در معرفی سرباز و ترتیبات دیگر مداخله داشته باشد ولی در خوبی این پیشنهاد هم تردید نخواهم کرد و عقیده ام این است که آنچه مردم میدهند باید مستقیماً بخود سرباز برسد والا اگر غیر از این باشد تصور میکنم تا زمان رسیدن سرباز آب شود و سرباز نرسد .
رئیس - چون آقای مغیر قبول نمیکند باید بقابل توجه بودن این پیشنهاد رای بگیریم بکدام دیگر خواننده میشود و بعد رای بگیریم .
(مجدداً بعضون سابق خوانده شد)
رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای حاج شیخ حبیب الله را قابل توجه میدانند قیام نمایند .
(عده کثیری قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه شد - آقای حاج شیخ اسدالله

آن ایل تقسیم میشود که در موقع احضار سوار آنها از میانه ده بایست خانوار یک نفر سوار بایک متواج معینی که از برای او مقرر است معین میکنند و راه میاندازند و سر خدمت حاضر میشود بعد از آنکه آن سوار مرخص شد کادمین الناس است هیچ خانواری ندارد حقوق محلی هم باو داده نمیشود در اینجا مقصود این است که آن اشخاصی که بنیچه ندارند مطابق معمول سابق در موقع حرکت یک پول برای نان خانه با آنها میدهند آنها راه میاندازند که در تحت نظام داخل شود دیگر متخرج مسافرت ندارد همان پولی است که از سابق معمول بوده باید بآنها بدهند اما سرباز بنیچه اینطور نیست یک خانواری دارد و یک خرج سفری دارد که باو داده میشود تا وقتیکه در تحت برقی وارد شود وقتیکه در تحت برقی وارد شد حقوقش با دولت است و باید دولت مخارج او را بدهد و خانواری که باو میدهند نان خانه اوست مخارج مسافرت او را هم از خانه تارفتی که در تحت برقی وارد شود باید صاحبان بنیچه بدهند و آنرا هم معین کرده اند هر منزلی که دو قران از زیاده و چهار قران از برای سوار بدهند اما سوارها یک بطور بنیچه گرفته میشود بطور معموله است یک پولی بآنها میدهند و آنها را حرکت میدهند این اشکالی ندارد .

مخبر - اینجا اشکالی شد چون تمام فئوئیکه من بعد گرفته میشود از روی بنیچه خواهد بود اینکه فرمودند بنیچه ندارند گمان میکنم مقصودشان مستوری سالیانه بوده است بجهت اینکه توضیح داده شد که هم افواج زیاده هم سواره داریم که مستوری سالیانه ندارند چنانچه عرض کردم افواج مازندران از این قبیل هستند که سالیانه گندم و پولی بآنها داده نمیشود معمول نبوده است فقط در موقع سفر باسم معاونت یک مبلغی از سی الی بیست تومان بآنها میدهند که حرکت کنند و سر خدمت حاضر شوند مقصود نویسنده این بوده است منزلی دو قران یا چهار قران داخلی بموضوع این معاونت و کمک ندارد و باید رعایای از دادن این خرج سفر جزئی که در موقع حرکت سوار و سرباز خودشان میرداخته اند باینکه گمان اما اینکه فرمودند سوار بنیچه ندارد عرض میکنم سوار هم بنیچه دارد منتهی ترتیب آن غیر از ترتیب زیاده است سرباز از روی ترتیب ملک و رعیتی گرفته میشود سوار های ایلات از روی مقدار شتر گرفته میشود باین معنی که شتر را در اول به پاوانگشت و ناخن تقسیم کرده اند و از آن رو سوار میدهند و ترتیب معین دارد ولی چه سوار چه زیاده بعضی مستوری سالیانه دارند بعضی ندارند
آقا سید فاضل - بنده هم جزء اخیر ماده ۱۵ را از دو حثت مجمل میدانم یکی از جهت کمک و معاونت که معلوم نیست این کمک و معاونت چیست و باین توضیحاتیکه دادند قانع نشدم و گمان میکنم آقایان هم قانع نشده باشند یکی هم (دریافت مینمایند) معلوم نیست و بنده این کمک و معاونت چیست این ماده بقدری مجمل است که وقتیکه با آقایان رفقا مذاکره میکردیم بعضی میگفتند (دریافت مینمایند) از توضیحات آقای مغیر محترم همچون فهمیدم که این کمک و معاونت علاوه بر دو قران و چهار قران است و گمانه این توضیح اشکالات بنده را

زیاد تر کرد اول تصور میکردم که این دو قران و چهار قران یک معاونتی است که برای افواجیکه خانواری ندارند خواهد شد حالا از توضیح آقای مغیر هیچ معلوم شد که علاوه بر دو قران و چهار قران با فواجیکه خانواری ندارند کمک و معاونت خواهد شد اولاً باید میزان کمک و معاونت معلوم شود و ثانیاً دهنده این کمک و معاونت باید معلوم شود که صاحبان بنیچه خواهند بود یا دولت .
معاون وزارت جنگ - اگر چه توضیحات مغیر محترم از هر جهت کافی بود ولی بنده یک قدری مفصل تر توضیح میدهم فرمودند این معاونت را کی خواهد کرد و بطور خواهد شد باینجهت مغیر محترم فرمودند بعضی افواج هستند که هم خانواری و هم با دارند (که موافق این قانون رد شد) و هم کمک خرج داشتند سه فقره تحصیل میشد با دارنه را ما در این قانون لغو کردیم بجهت اینکه خود سرباز باید یادارن باشد بیشتر یک سربازی میگردند و مبلغی دستی باو میدادند که یادار شود آنرا این قانون لغو کرده است و من بعد سرباز دولت باید شخصاً یادارن باشد یکی دیگر اینکه سه ساله یک مستوری سرباز میدادند و یک کمک خرج هم هنگام مسافرت بآنها میدادند کمیسیون چون دید که این کمک خرج یک چیز جزئیست بیش بینی کرد که از خانه سرباز تا محل اجتماع فوج که سرباز زیر برقی میبرد و لباس سربازی میبوشد که اغلب دو سه منزل بیشتر نیست این کمک خرج را که عبارت خواهد بود از منزلی دو قران برای سرباز و تویچی و منزلی چهار قران برای سوار بدهند آدمی بر سر بعضی افواج کماز قدیم بوده اند چنانچه حالا هم هستند و آنها از اصل خانواری و مستوری سالیانه ندارند بعد از پنج سال سه سال یا شش سال که سرباز بخدمت احضار میشود سی یا پنجاه یا هفتاد تومان باختلاف محل یا بعضی محله که معتبر است صد تومان میدهند و آن سرباز را برای سفر راه میاندازند در این قبیل مواقع فعلاً وزارت جنگ تقاضای خانوار را نمی تواند بکند فقط همان کمک را خواهد گرفت این قانون میگوید در این قبیل مواقع غیر از آن معاونتی که در محل میکنند از خانه سرباز تا آنجا یک باید زیر برقی بیاید و صورت فوج را پیدا کنند این منزلی دو قران و چهار قران را بدهند .

آقا میرزا محمد علیخان - مسلم است که قانون وضع می شود برای اینکه مسائلیکه بطور اختلاف گفته شده است محدود یک حدودی بکنند در واقع تکلیف هر کسی را در ضمن آن قانون معین کرده باشد در مواد این قانون قشون گیری ما باید قسمی کنیم که بعضی مطالب را که عبارت از خانواری و کمک و معاونت و این قبیل مسائل است حتی الامکان در تحت یکفاهمه بیاوریم تا اینکه یک قدری رفع مشکلات را هم از دهنده و چه که کمک میکند و هم آن گیرنده اینو چه کرده باشیم یعنی در مواقعی که باید سوار یا سرباز از محل خودش حرکت بکند و تا محل اجتماع فوج حاضر شود مشکلات و اختلافات در میان او اهالی سرباز به گداز باشد اگر چه اینجا نوشته شده است کما فی السابق ولی کما فی السابق مطلق یک چیزهای معمولی سابقه است حالا چه ضرر

دارد که ماسعی کنیم و همان مسائل سابقه را در تحت یکفاهمه بیاوریم یعنی وزارت جنگ یک حد متوسطی را در نظر بگیرد و آنها را در تحت یک ارقامی بیاورند قطع نظر از اینکه در این ماده لازم است یک اصلاح میدارنی شود و فید شود که علاوه بر مقدار خانواری که کما فی السابق معمول بوده است در موقع حرکت یک کمک و معاونتی شود بنده تصور میکنم بد نیست که کمیسیون در این باب یکدفعتی بکنند و حتی الامکان این قبیل مسائل را محدود بحدودی بکنند که لااقل رفع مشاجره بین دهنده و گیرنده اعانه شده باشد و الا این مسئله همینطور بماند ممکن است یک سربازی بگوید معمول سزوانی آقدر بوده است و یک جمعی هم باو کمک کنند و همانطور ما بخواهیم بگیرند و دهنندگان وجه هم در زیر بار نرود و اسباب منازعه و مشاجره بشود و تفاوت این مسئله بجهت اشخاصی بشود که بخواهند استناداتی در این موقع کرده باشند و در واقع و روی هم رفته این یک ظلمی است از برای آن جمعیکه باید سرباز بدهند و بلا تکلیفی آن سربازی است که میخواهد از محل حرکت کند .
رئیس - مذاکرات در ماده ۱۵ کافیت آقای مدحت السلطنه پیشنهادی کرده اند قرائت میشود .
(بعضون ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم جزء اخیر ماده (۱۵) اینطور نوشته شود : ولی افواجیکه خانواری ندارند کما فی السابق در موقع حرکت کمک و معاونت معمولاً از صاحبان بنیچه دریافت مینمایند .
رئیس - توضیحی دارید .
مدحت السلطنه - اشکالیکه شده بود که معلوم نیست کی باید بدهد وجه باید بدهد بواسطه این پیشنهاد رفع آن اشکال میشود .
مخبر - این پیشنهاد را بکمیسیون ارجاع فرمایند .
رئیس - بسیار خوب - ماده (۱۶)
(بعضون ذیل قرائت شد)
ماده ۱۶ - نظامنامه های راجع باین قانون را وزیر جنگ تهیه کرده بموجب فرمان آقا بحضرت همایونی بموقع اجرا بگذارند
رئیس - در اینجا که مخالفی نیست ماده مقدم قرائت میشود
(بعضون ذیل قرائت شد)
ماده مقدم - وزیر جنگ مامور اجرای این قانون است
رئیس - در اینجا هم مخالفی نیست شود اول این قانون ختم شد
میرزا محمد علیخان - بنده در ماده ۱۵ پیشنهادی کرده بودم
رئیس - چون اعلام شد که دور اول ختم است باید بکمیسیون ارجاع شود مطلب دیگری در دستور نیست چند فقره مطلب است که باید عرض کنم - آقای اعزاز السلطنه سه ماهه تقاضای مرخصی کرده اند و کمیسیون فرایض و مرخصی تصویب کرده است باید رای بگیریم - آقایانیکه مرخصی سه ماهه آقای اعزاز السلطنه را تصویب مینمایند قیام نمایند
(عده کثیری قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد - چند فقره استعفا نامه

رسیده است که در جلسه آتیه باید عرض آقایان را انتخاب فرمایند آقای میرزا محمد تاجاز کمیسیون معارف آقا شیخ بیسی از کمیسیون داخله و آقای مبصر الملك و آقای معادل الدوله هم از دست و تلگراف جلسه آتیه دم روز شنبه و دستور آن شور دوم در قاره تبدیل مالیات خالصجات انتقالی بمالیات اربابی دیگر انتخاب اعضاء کمیسیون تطبیق حوالجات خواهد بود
آقا سید فاضل - جلسه آتیه راجع روزی فرمودید
رئیس - عرض کردم روز شنبه
مدرس - جلسه یکشنبه باشد بهتر است
رئیس - بعد از این باید جلسات مرتب باشد شنبه و سه شنبه و پنجشنبه که کمیسیون ها هم بتوانند بطور مرتب کار کنند
مدرس - چون این مطالبی را که فرمودید باید مطالعه کرد و در ظرف فردا تماشای را نمیشود مطالعه کرد
رئیس - اگر پیشنهاد بفرمائید رای میکنیم ولی از روز یک شنبه به بعد باید جلسات مرتب باشد .
مدرس - بلی بنده پیشنهاد میکنم جلسه آتیه یکشنبه باشد .
رئیس - رای میکنیم آقایانیکه تصویب میکنند جلسه آتیه روز یکشنبه باشد قیام نمایند .
(عده قبلی قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد آقای حاج شیخ یوسف فرمایش جناب عالی راجع بچه مطلب است .
حاج شیخ یوسف - عرض بنده راجع بشریف آوردن آقای رئیس الوزراء است بمجلس اجازه میفرمائید عرض کنم .
رئیس - در جلسه گذشته فرمودید و تاکید شد باز هم تاکید میشود .
آقا شیخ بیسی - بنده از دو کمیسیون استعفا داده بودم .
رئیس - انتخاب یکی راجع شعبه است و یکی راجع بمجلس بود که عرض کردم .
حاج سیدرضا - بنده از مغیر کمیسیون که از برای رسیدگی بحساب خزانه دار سابق انتخاب شده بود سؤالی دارم که بفرمائید آن کمیسیون تابعال چند جلسه تشکیل شد وجه اقداماتی کرده و نتیجه اقدامات آن کمیسیون تابعال چه شده است اقدامات خودشان را و نتیجه که حاصل شده است بفرمائید .
آقا میرزا قاسمخان - در چند جلسه قبل همین سؤال را فرمودند ولی در مقابل سؤال ایشان جز سکوت بنده نمیتوانم راپورتنی عرض کنم بجهت اینکه بگمرتبه این کمیسیون منعقد شد و انتخاب هیئت رئیسه کمیسیون هم بل آمد ولی بر حسب مقررات حاله مجلس باید همیشه انعقاد کمیسیونی از طرف رئیس کمیسیون اعلان شود و چون اعلان نشده است است کمیسیون هم تشکیل نشده است باینواسطه کاری نتوانست است بکند .
رئیس - خیر اینطور نیست انعقاد کمیسیونها را اعلان نمیکند رسم است کمیسیونها بعد از آنکه

مجلس میکنند همان احتیاط را هم وزارت جنگ از صاحبان بنیچه میکنند که ما داد بواسطه نفوذیکه میتواند با افراد داشته باشند خانواری سربازان رسانند لهذا این مستوری و خانواری باید با نظردستورالعمل وزارت جنگ در محل سربازان تادیه شود وزارت جنگ وقتیکه معین خواهد کرد کلیه خانوارها برسد دستوارالعمل های دیگر هم در این موضوع خواهد داد چون این خانواری تقفدی نیست که مالکین و اربابان بنیچه سرباز میدهند یک چیزست که جزء تمیلات آنها است یعنی جزء تعقیفی است که با آن محل داده شده است ممکن است فلان مالک با فلان صاحب بنیچه بگوید چون سرباز من مرده است من خانوار را نیدهم اینطور نیست تمام این تمیلات بدولت است و باید بجزانه دوات برسد و اظهار دیگری را هم که نماینده محترم دیگر اظهار کردند وزارت جنگ بکلی رد میکند بجهت اینکه آنچه تا بحال معامله شده و وزارت جنگ مسبوق است این است که از خانواری هرچه سرباز رسیده است رسیده است و آنچه رسیده است بجزانه دولت رسیده است رئیس - چون آقای مغیر قبول نکردند در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای حاج شیخ حبیب الله باید رای بگیریم - آقای سردار معظم راجع باین پیشنهاد فریاضی دارید .
سردار معظم - بنی در همین پیشنهاد عرضی دارم و با این پیشنهاد موافقم بنده هم تصور میکنم پیشنهاد آقای حاج شیخ حبیب الله موافق با همان مقصود است که در نظر بوده است بجهت اینکه توضیحات را هم که آقای مغیر فرمودند فقط مداخله وزارت جنگ را محدود به سفری سرباز فرمودند و مداخله دیگر را قائل نشده و بقیه بنده هم خانواری لازم اش این است که سرباز داده شود بجهت اینکه این یک معامله است که مابین اهالی محل و سرباز میشود خانواری یک کمک خرجی است برای خانواده کسیکه سرباز میشود و مدد معاشی است برای کسیکه حاضر شده است و از طرف آنها سرباز میشود این خانوارها میدهند که سرباز یادارن باشد و خاطرش از حیت معاش آسوده باشد پس قهراً یک معامله است که مابین سرباز و اهالی محل میشود حالا اگر آقای معاون این مطلب را در نظر بگیرند انصاف خواهند داد که اهالی محل باید خانوار را بخود سرباز بدهند زیرا این خانوارها برای معاش آنکسی که سرباز است میدهند نه برای صندوق دولت بنده کاملاً موافقم که وزارت جنگ در معرفی سرباز و ترتیبات دیگر مداخله داشته باشد ولی در خوبی این پیشنهاد هم تردید نخواهم کرد و عقیده ام این است که آنچه مردم میدهند باید مستقیماً بخود سرباز برسد والا اگر غیر از این باشد تصور میکنم تا زمان رسیدن سرباز آب شود و سرباز نرسد .
رئیس - چون آقای مغیر قبول نمیکند باید بقابل توجه بودن این پیشنهاد رای بگیریم بکدام دیگر خواننده میشود و بعد رای بگیریم .
(مجدداً بعضون سابق خوانده شد)
رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای حاج شیخ حبیب الله را قابل توجه میدانند قیام نمایند .
(عده کثیری قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه شد - آقای حاج شیخ اسدالله

انتخاب شدند اسامی آنها را اعلام میکنند و هر کس میباید جزو کدام کمیسیون باشد همینقدر که کمیسیون مقرر شده و هیئت رئیسه خود را تعیین نمود همه کس میدانند که انتخاب شدهاند اگر فقط همین معذور بوده است که ششاه قبل هم ممکن بود به هیئت رئیسه اعلام کنند تا قراری داده شود و اگر معذور دیگری بوده است آن مسئله دیگری است.

سایه‌مان میرزا - چون بنده یکی از اعضاء این کمیسیون هستم لازم است عرض کنم که این کمیسیون لوازم کاری را که میخواست تهیه نشد و بنا بود در وزارت مالیه يك معنی کنند و چند نفر هم از خارج انتخاب شوند سایر چیزها و اسنادی را هم که لازم است از خزانه داری بفرستند این ترتیبات فراهم نیامد و در اوائل امر هم يك چند وقتی بحران کابینه وزراء در کار بود بعد از آنکه هیئت وزراء جدید هم انتخاب شدند آقای وزیر مالیه در وهله اولی که آقای حاج سید رضا این سؤال را نمودند فرمودند که بواسطه بعضی گرفتاریها هنوز موفق بکاری نشده اند در این اواخر هم چند نفری از اعضاء آن کمیسیون استعفاء کرده اند که یکی از آنها بنده هم هستم و باید تجدید انتخاب شوند و باید آقایان در نظر داشته باشند که این کمیسیون میخواست بحساب خزانه داری آنهم از اول تشکیل تا امروز رسیدگی کند يك حساب سهل و ساده نیست که همینقدر که سؤال کردند یکی دو جلسه این کار تهیه شود لوازماتی دارد که باید وزارت مالیه تهیه کند مستقیماً که اعضاء کمیسیون نمیتوانند بروند خزانه دار سابق و اسبق را در تحت حساب بیاورند بنابراین باید وزارت مالیه صورت حسابها را بازرسی یا از لوازم او را از اوایل امر یعنی از وقتی که شستر حساب خودش را با آنها منتقل کرده است و در ایام فترت موفق مانده و شاید خیلی از اسناد هم در دستشان نباشد باید وزیر مالیه تمام آنها را تهیه کنند و کمیسیون رسیدگی بصحت آن حسابها بکنند خود اعضاء کمیسیون به هیچ وجه نمیتوانند بروند و در آرشو های وزارت مالیه یا خزانه داری و اسناد خزانه دار را یکی بعد از دیگری پیدا بکنند این حق را ندارند و چون آنها نشد بواسطه مطالبی که عرض کردم کاری از کمیسیون پیش نرفت و يك چند نفری از اعضاء کمیسیون استعفاء دادند بعد باید تجدید انتخاب کنند و در صورتی که لوازم کار از طرف وزارت مالیه تهیه شود آنوقت میتوانند شروع بکار بکنند.

ناصر الاسلام - بنده هم خیلی مناسبم که بعضی از اعضاء کمیسیون میفرمایند ما استعفاء کرده ایم و یکی از اعضاء کمیسیون میفرمایند یکجمله بیشتر منعقد نشد و وقتی هم منعقد شد فقط وقتشان منحصر بانتخاب هیئت رئیسه شد و اعضاء کمیسیون هیچ وارد يك معنی نشده اند که آن وقت مشکلاتی احساس بکنند یا یاره اقداماتی لازم باشد که از مجرای وزارت مالیه تعقیب شود و در هر صورت بنده متقدمم که این رسیدگی بحساب خزانه داری يك امر مهمی است و همانطوریکه در جلسات اولیه آقایان این مسئله را اهمیت میدادند حالا هم از نقطه نظر اهمیت تعقیب شود اگر يك مده استعفاء داده اند يك مده دیگری منقضی شوند

اینکه هفته سه روز بنشینند و کار بکنند هر چند نفری از برای اینکار انتخاب میشوند باید از تمام کارهای دیگرشان صرف نظر بکنند و بلاوه يك مده اشخاص موظف بانتخاب بکنند و آنها را مسؤول قرار بدهند و يك محل معینی در وزارت مالیه برای آنها معین شود و مثل یکی از ادارات وزارت مالیه بنشینند و با اینکار رسیدگی کنند و کلاهی که نمیتوانند حل اشخاص موظف تمام روز را بپوشند و با اینکار مشغول باشند زیرا و کلاهی مشغولیات دیگر هم دارند يك اشخاص مسؤولی باشند و آن اشخاص اسناد را از وزارت مالیه مطالبه و جمع آوری بکنند و کمیسیون رسیدگی کنند و پس از رسیدگی ببینند این حرفها که گفته میشود صحیح است یا صحیح نیست بنابراین بانتخاب نفری که آقایان معین فرموده اند خوشوقت باشند که این ۶ نفری میروند و بحساب ۶ ساله خزانه داری رسیدگی میکنند آرزوی محالیت اوضاع مجلس که بیداست آقای حاج امیر نظام هم ترتیباتی که داشتند و گرفتاریهایی از برای وزارت مالیه بود موفق بترتیب بودجه تنها نشده اند تا چه رسد باینکه صورت حسابها را از خزانه داری بگیرند و کمیسیون بدهند و کمیسیون هم تا چند روز همینطور گاهی بوزیر اظهار کرد و گاهی اسرار و تاسفید کرد ولی وقتی که يك کمیسویی يك قوه اجرائیه ندارد بطور متینانه اینکار موفق شود و برای مجلس یا هیئت وزراء هم که بقدری کارهای دیگر هست که آنها هم فرصت رسیدگی باین گونه مسائل را ندارند و آن دوسه نفر هم که از عضویت کمیسیون استعفاء کرده اند که یکی هم بنده هستم وقتی دیدیم که این مشکلات در پیش است آقایان هم آن مشکلات را در نظر نمیگیرند چه رسد باشخصی که در خارج مجلس هستند و خواهند گفت ۶ ماه است يك کمیسویی برای اینکار انتخاب شده و هنوز صورتش را نداده بنابراین استعفاء کردیم این راه هم عرض میکنم که بجای این اشخاصی که استعفاء کرده اند فعالترین اشخاص مجلس را انتخاب بفرمائید و آنشخص فعال تیرا از همه با حرارت و هیجان تمام بروند و داخل اینکار بشوند و ششاه و یکسال هم با آنها مهلت بدهند باز بعد از یکسال صورت حساب نخواهند آورد زیرا اسناد و صورت ترتیب حسابها بطور درست گمنی توانند پیدا کنند حالا بعد امتحان خواهند کرد که اینکار درست نخواهد شد و مگر وقتی که بکنند معاسین موظف از برای این کار معین کنند و بعد از آنکه یکمده معاسین موظف هم معین شدند و تمام مدت شبانه روزی خودشان را صرف اینکار کردند آنوقت و شاید بتوانند بعضی آقایان بفرمایند که از فلان حساب فلان قدر سند نیست یا بگویند فلان ترتیب ختم شده است این بهترین اقدامات و اولین وظیفه کار برای مجلس است همین است ولی چیزی که هست این است که باید سعی کنند تا وسائلش موجود شود و فقط بیاد آوری و اینکه کمیسیون چه کرده است ممکن نیست این صورت حساب بحساب بیاید و بنده و دو نفر دیگر هم اعضاء کمیسیون استعفاء کرده ایم بعضی هیئت رئیسه رسانیدیم که تجدید انتخاب شود.

مدحت السلطنه - خیلی مایه تعجب است که ما برای هر امریکه اتفاق میافتد اول اظهار هیچان و حرارتها میبکنم و در خواست اقدامات سختی میبکنم و بعد خودمان سرد میشویم و همین باعث شده آن کسانی که مصدر کار هستند هیچ وقتی بآن حرارتهای ما نمیگذارند کمیسیون همانروز که انتخاب شد بطوریکه مذاکره شد باید عقب کار رفته باشد و اسباب کار را از وزیر مالیه خواسته باشد البته اگر اقدام نکنند هیچ کاری صورت نمیگیرد آن وقت اگر مسامحه میکردند ممکن بود باز بترتیب دیگری اقدام بکنند و اسباب کار را فراهم نمایند تا زودتر انجام شود و اگر بعضی از اعضاء هم استعفاء میداد باید استعفا او بهیئت رئیسه اظهار شود که در مجلس گفته شود و عضو مجددی انتخاب شود و الا کمیسیونیکه برای يك کاری انتخاب شده است بعد از شش ماه عوض اینکه راپورت اعمال خودش را بدهد نازه اظهار میشود که اعضاء استعفاء داده اند با فلان مانع بیس آمده اسباب فراهم نشده است

رئیس - آقای حاج سید رضا شما هم اظهاراتی دارید.

حاج سید رضا - عریضی که بنده میخواستم بکنم آقایان فرمودند دیگر عرض ندارم

سایه‌مان میرزا - حقیقتاً خیلی مایه تاسف و تعجب است اشخاصیکه در جریان امر هستند با قراموش میکنند با در نظر نمیگیرند آنچه را خودشان در جریان بوده و دیده اند بلی يك اشخاصی حساب خزانه دار را خواسته اند حالا میخواستند يك کمیسویی هم انتخاب شود جلسه اولش منعقد و هیئت رئیسه آن هم معین گردید ولی بعد دیدیم که از وزیر مالیه بودجه اش را خواستید بحساب بیاورد هزار گونه مانع تراشی میکرد اگر رجوع بوزارت مالیه آنوقت بکنید در نظر خواهید گرفت که تمام این (بشورها) يك یول ارزش ندارد و باین سهل و سادگیها نمیتوانید بحساب خزانه داری برسید شوشتر با حسابش از بین رفت حالا شما میخواستید حساب شوشتر را برسید و صورتیکه معلوم نیست مسؤول اینصورت حسابها کیست يك اسناد مرتبی که در کار نیست تا شما بتوانید بحساب خزانه داری را از زمان شوشتر تا حال رسیدگی کنید و این کار هم این اندازه ها سهل و ساده نیست که مثل کارهای عادی از قبیل قانون نظام یا سایر قوانین از يك کمیسیون شش هفت نفری بگذرد یا

دفاهائی شد که بطور کمیسیون تشکیل نشده و حالا هم میفرمایند مذاکرات کابینه مانی خواستیم يك مخالف و موافق در مجلس پیدا شود و یکسؤال و جوابی بکنیم مسلم است که رسیدگی بحساب چند ساله خزانه داری که اغلب مطلقه ترتیبی نداشته خیلی کار سهلی نیست يك کار خیلی مشکلی است ولی بآن اختیاراتی که آقایان داده شده بود که بتوا نند یکمده خارج داخل این کمیسیون می توانستند اقدامات خود را تعقیب بکنند و لوازمات خودشان را بخواهند منا کرانیکه شده است از همین نقطه نظر بوده است حالا اگر آقایان صلاح میدانند آن کمیسیون تشکیل شود و آن چیزها را که حضرت والا فرمودند همان کمیسیون راپورت بدهد یعنی راپورتی را که مکلف است بدهد چه از اسناد مقرر شده و چه از حساب صحیح و چه از حسابهای غیر صحیح تمام اینها از طرف کمیسیون بحساب راپورت داده شود تا مجلس بطور رسمیت این راپورت را از کمیسیون بشنود

رئیس - ممکن است این کار را بکنند و اینکه بنده عرض میکنم مذاکرات کابینه بطور تعکم نیست از خودشان سؤال میکنم مذاکرات کابینه یا نه اگر برای رسیدگی کافی میشود و اگر برای ندهد باز مذاکره خواهد شد

حاج معین التجار - بنده عرض میکنم آن حرارتها بآن لزومیکه برای حساب خزانه داری تصور میشد فقط بسخ قانون ۲۳ جوزا اطلاق آن حرارتها شد بنده عرض میکنم این کمیسیون بیبایستی تشکیل شود و اگر هم نمیتوانستند بحساب خزانه داری رسیدگی کنند اقلاً راپورت میدادند تا مجلس و ملت و دولت يك تجربه حاصل کرده باشند که این خزانه دارهای خارجه که اینصورت متصدی کار بوده اند و اهل حساب بوده اند نتوانستند حساب خودشان را بدهند این هم خودش يك مسئله است گذشته از اینها برنارد خودش يك حسابی داده است ممکن بود باین حساب رسیدگی کنند بهیئت صورت جزو آن چه چیز است آیا آنصورتیکه داده است يك صورت جزئی هم دارد یا ندارد یا علی الحساب اسنادی در مقابل آنصورتها دارد یا ندارد و فرضا اگر نمیتواند بحساب سه ساله برنارد برسند بحساب اسنادی ۶ ماهه هم رسد الا باین بنده این خزانه داری در این ششماه چه کرده است و اگر حساب این ششماه را هم نمیدادند لاقلاً بعد از این دولت تکلیف خودشان بداند که بعد از این خزانه دار با ما مورین خارجی معین نکنند و بدانند چه تکلیفی خواهد داشت

رئیس - پس مطلب اینجا ختم میشود که آن کمیسیون منعقد بشود و يك اقدام رسمی بکنند و نتیجه هر چه شد رسماً بحساب راپورت بدهند (گفتند صحیح است)

ناصر الاسلام - خاطر آقایان نمایندگان میبویست که در چندین جلسه قبل بنده يك عرضی راجع بیروگرام هیئت وزراء کردم و يك قسمت از آن راجع بنظریات خودم بود که در آنوقت عرض کردم و يك قسمت دیگرش متوجه بنمایندگان و تقاضایست که باید از هیئت رئیسه در تائید بهیئت دولت بشود زیر امتیست مجلس شورای ملی يك منظره تماشاچی گریرا بخودش گرفته است زهر اتفاقی که میافتد معلوم نیست راجع بکیست در صورتیکه ما بشخص رئیس الوزراه

خیلی امیدوار بودم و با آن اعتماد و اطمینانیکه از طرف مجلس در باره ایشان اظهار شده بود خیلی زودتر بیبایستی خودشان را بحساب بیبشهاد نمایند که مجلس شورای ملی اطلاع داشته باشد یعنی بیبایستی روش سیاست داخلی و خارجی خودشان را بحساب بیبشهاد کنند و مجلس هم اظهار موافقت خودشان را با هیئت دولت بنماید تا هیئت دولت هم با يك قلب قوی بحساب همدست شده کارها بروفق مرام باشد ولی متأسفانه متجاوز اردو ماه است که بنده که یکی از نمایندگان هستم نمیتوانم مشی دولت چیست و چه یلتیکی راجع بسیاست خارجی اظهار کرده است همینقدر میتوانم عرض کنم آنچه مربوط بسیاست داخلی است اوضاع ژاندارمری و نظریه است که بهترین شاهد است و همه مسوقیم که مکرر نمایندگان در این مجلس بسا يك حسرات و قدوشناسی از ژاندارمری اظهار حق شناسی میکردند و هر هیئت دولتی بیروگرام خودشان را بحساب تقدیم میکرد از طرف نمایندگان پاتفاق در تأمین آتیه و توسعه ژاندارمری تائید و توصیه میشد و متأسفانه حالا میبشویم ژاندارمری با سوء حال گرفته است و حقوق چندین ماهه اش نرسیده است ترتیب ژاندارمری را که خود بنده نمیتوانم بحتمل وقتی خود آقایان نمایندگان هم داخل در کار بشوند هیچ نتوانند مطلع بشوند که آتیه ژاندارمری با آنچه فداکاریها و یولهاییکه مصرف شده است چه خواهد شد آیا ما نباید بدانییم سیاست دولت راجع با امور داخلی و خارجی چیست اگر آقایان عرض بنده را بپذیرند از آقای رئیس تقاضا میکنم که بهیئت دولت تائید خود زودتر بیروگرام خودشان را بحساب بیبشهاد کنند تا بنده هم که یکی از نمایندگانم با هیئت دولت کمال موافقت را بنمایم و الا بنده هم مادامیکه مشی دولت را ندانم خودم را بیکتفر نماینده بی اطلاع از امور داخلی و خارجی میدانم.

رئیس - این مسئله را جدیداً فرمودید و گمان میکنم اغلب آقایان مطلع نبوده اند اگر صلاح میدانید بمانند پیله دیگر که مذاکره شود و هر طور قرار شد همانطور بهیئت دولت ابلاغ شود.

رئیس - این مسئله را جدیداً فرمودید و گمان میکنم اغلب آقایان مطلع نبوده اند اگر صلاح میدانید بمانند پیله دیگر که مذاکره شود و هر طور قرار شد همانطور بهیئت دولت ابلاغ شود.

رئیس - این مسئله را جدیداً فرمودید و گمان میکنم اغلب آقایان مطلع نبوده اند اگر صلاح میدانید بمانند پیله دیگر که مذاکره شود و هر طور قرار شد همانطور بهیئت دولت ابلاغ شود.

رئیس - این مسئله را جدیداً فرمودید و گمان میکنم اغلب آقایان مطلع نبوده اند اگر صلاح میدانید بمانند پیله دیگر که مذاکره شود و هر طور قرار شد همانطور بهیئت دولت ابلاغ شود.

جلسه ۲۴
صورت مشروح پنجمین جلسه یازدهم شهر ذیحجه الحرام ۱۳۲۳

مجلس یکساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت مجلس روز پنجمین چهارم قرائت شد.
غائبین با اجازه - حاج سید اسدالله قزوینی - آقای میرزاهاشم آشتیانی.
غائبین بدون اجازه - نجفقلی میرزا - محمد هاشم میرزا.
مرض - آقا شیخ رضا دهخوارقانی.
رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست یا نیست؟ (اظهاری نشد).

چون ملاحظاتی نیست تصویب شد امروز در دستور غیر از انتخاب اعضاء کمیسیون تطبیق حوالجات مطلبی دیگر نیست.
سردار معظم - اگر مجلس تصویب کند خوب

است بعد از اعضاء کمیسیون تطبیق حوالجات لایحه قانونی تشکیلات وزارت جنگ که بحساب آمد و نمایندگان هم مطالعه کرده اند جز دستور گذاشته شده و شور اول آن بشود.

رئیس - عجاله باید بفرمائید این انتخاب در مجلس خواهد شد یا در خارج مجلس.

خان باباخان - سابقه این طلب این بوده است که تا بحال کمیسیونها در خارج انتخاب میشده اند نظامنامه داخلی هم کدر این موضوع ساکت است و تصریحی ندارد که حتماً در خود مجلس انتخاب بشود یا در خارج بنده خواستم تقاضا کنم که چون این کمیسیون اهمیت دارد در خود مجلس انتخاب شود.

رئیس - پس زای میگیریم آقایانیکه موافقت در خود مجلس انتخاب شود قیام نمایند. (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است - انتخاب بموجب ماده (۹۳) نظامنامه داخلی خواهد بود یعنی باید آقایان حرکت بفرمایند.

(ماده مزبور بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده ۹۳ - اشخاصی که در مجلس عمومی یادر شعبات یا در کمیسیونها میشود باید رای مغنی باشد در موقع انتخابات در مجلس عمومی یکطرف در محل نطق و دیگری در روی میز مشان گذارده می شود هر نماینده ورقه رای خود را در باکت سر باز گذاشته در ظرف اول و مهره تقشبه را در ظرف ثانی می گذارد و برای استخراج آراء سه نفر بقره معین میشوند.

مؤید الاسلام - انتخاب بطور جمعی است یا فردی؟

رئیس - جمعی است - اسامی بیبشهادی وزارت مالیه هم طبع توزیع شده است باز هم اگر لازم است قرائت شود.

(بترتیب ذیل قرائت شد)
آقای میرزا محمد علیخان مستوفی گرگانی - آقای حسنعلیخان نصرالملک - آقای میرزا رضاخان نائینی مدعی الموم سابق دیوان تیز - آقای میرزا رضا مستوفی - آقای میرزا محمودخان عینالملک - آقای میرزا ملک کردستانی - آقای میرزا حبیب الله خان علی آبادی - آقای میرزا محسن خان اقتدارالدوله

آقای میرزا داودخان علی آبادی - آقای علیرضا خان بهاء الملک - آقای مصدق السلطنه - آقای میرزا عزیزخان عضدالملک - آقای میرزا عبدالشاهخان گرگانی - آقای میرزا ابوالقاسم خان اصنام الملک - آقای میرزا حسنخان مجیرالملک.

مدرس - اسم آقای میرزا رضای مستوفی را نخوانند.

رئیس - خوانند - آقای مصدق السلطنه و آقای میرزا رضای مستوفی بموجب مراسله که بعد از وزارت مالیه رسیده بود ضمیمه شدند قرائت هم شده.

(در این موقع شروع باخذ آراء شده آقایان)
(میرزا محمد علیخان نماینده همدان و حاج معین - (التجار و آصف الملک بحکم قره برای استخراج) (آراء معین شدند و ترتیبی که ذیلا مندرج است نتیجه) (حاصل گردید).